

# عملیات های دفاع مقدس

سایت ساجد

## عملیات والفجر مقدماتی

### مقدمه

در حالی که عدم موفقیت در عملیات رمضان، دورنمای پیشروی در شرق بصره را دور از دسترس نشان می داد، پیروزی در عملیات محرم و تسلط بر زمین های تخت استان میسان، دستیابی به شهر العماره عراق - که به عنوان تهدید هم زمان علیه دو شهر بصره و بغداد محسوب می شد - را امکان پذیر کرده بود. به همین منظور و نیز از آن جایی که فرماندهان جنگ ناگزیر بودند در مقابل تجهیزات برتر عراق، زمین سخت را گزینش کرده و درگیری در وضعیت دشوار را به دشمن تحمیل کنند، منطقه رملی غرب ارتفاعات میشداغ - حدفاصل فکه تا چزابه - برای انجام عملیات سرنوشت ساز والفجر انتخاب گردید.

### اهداف عملیات

اولین هدف تصرف پل غزیه بود و چنانچه این مرحله از عملیات با موفقیت انجام می شد، تصرف شهر العماره به عنوان دومین هدف در دستور کار قرار می گرفت.

### موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی از شمال به میشداغ و برقازه از جنوب به هورالهویزه از شرق به چزابه و شهرستان و از غرب به شهر العماره عراق و رودخانه دجله منتهی می شد .  
در منطقه مزبور رودخانه های متعددی وجود دارد، از جمله: رودخانه دویرج که از کوه های شمالی منطقه سرچشمه گرفته و به هورالسناف می ریزد و رودخانه میمه که سرچشمه آن ارتفاعات ایلام است و به طرف هور بن عمران ( جنوب هورالسناف ) منتهی می شود.

### استعداد دشمن

مسئولیت پدافند از منطقه عملیاتی (از چیلات تا هورالعظیم) به عهده سپاه چهارم عراق بود. لشکرهای سازمانی این سپاه نیز عبارت بودند از :

الف - لشکر 14 پیاده ؛ شامل :

- تیپ 421 پیاده

- تیپ 422 پیاده

- تیپ 18 پیاده کوهستانی

- تیپ گردان تانک سیف سعد

منطقه گسترش لشکر 14 از شیب تا پاسگاه دویرج و مقر فرماندهی آن نیز در غرب تقاطع جاده چزابه - غزیه با جاده صفریه بود .

ب - لشکر 1 مکانیزه؛ شامل :

- تیپ 108 پیاده

- تیپ 501 پیاده

- تیپ 1 مکانیزه

- تیپ های 92، 93 و 94 پیاده، 34 زرهی و 27 مکانیزه) به عنوان احتیاط) منطقه گسترش این لشکر از پاسگاه دویرج تا پاسگاه پیچ انگیزه و مقر فرماندهی آن نیز در جنوب منطقه بزرگان بود .

ج - لشکر 10 زرهی؛ شامل :

-تیپ 17 زرهی

-تیپ 42 زرهی

-تیپ 34 زرهی

-تیپ 24 مکانیزه

-تیپ 412 پیاده

منطقه گسترش این لشکر از پیچ انگیزه (شیار به جلیه) تا جنوب غربی دهلران (چیلالت) بود.

د - نیروهای احتیاط؛ شامل :

-لشکر 3 زرهی، در منطقه شرق هورالسناف جنوبی

-تیپ 30 زرهی از لشکر 6 زرهی، در منطقه جنوب زبیدات

-تیپ 16 زرهی از لشکر 6 زرهی، در منطقه العماره

-تیپ 25 مکانیزه از لشکر 6 زرهی، در منطقه شرق هورالسناف

-تیپ 37 زرهی از لشکر 12 زرهی، در منطقه بزرگان

-تیپ 101 پیاده گارد مرزی، در منطقه العماره

-تیپ 10 زرهی وابسته به ستاد کل، احتمالاً در شمال العماره

-تیپ های 48 پیاده و 49 زرهی ار لشکر 11، در منطقه العماره

-تیپ 51 زرهی مختلط، در منطقه فکه

-گارد ریاست جمهوری، در منطقه بزرگان

- تیپ 704 پیاده در منطقه صفریه تارشیده

## قوای خودی

بعد از عملیات محرم، سپاه پاسداران در صدد گسترش سازمان رزم خودی برآمد. بر همین اساس لشکر فتح به سپاه 3 صاحب الزمان

(عج) تبدیل شد و سازمان تمامی تیپ های تابع آن به جز تیپ 44 قمر بنی هاشم (ع) نیز به لشکر تغییر یافت .

لشکر ظفر نیز سپاه 11 قدر را تشکیل داد و در نتیجه دو تیپ 27 و 31 آن به لشکر تبدیل شدند و سه تیپ جوادالائمه(ع)، امام رضا (ع)

و امام صادق (ع) نیز لشکر نصر 5 را به وجود آوردند. هم چنین، یک تیپ مستقل به نام تیپ 10 سید الشهداء (ع) تشکیل شده و تحت

امر این سپاه در آمد .

لشکر فجر هم با تیپ های المهدی (عج)، امام سجاد (ع) و ثارالله به سپاه هفتم حدید تبدیل شد. در این میان لشکر فجر با همان سازمان

لشکر باقی ماند تیپ ثارالله نیز که به لشکر تبدیل شده بود، به اتفاق لشکر قدس (شامل: لشکر 7 ولی عصر و تیپ 15 امام حسن) و لشکر

8 نجف تحت امر سپاه هفتم قرار گرفتند .

به این ترتیب با گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران و ایجاد سه سپاه عملیاتی، قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) جهت انجام این

عملیات استعداد زیر را در نظر گرفت:

قرارگاه کربلا هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت:

سپاه 3 صاحب الزمان (عج)

لشکر 14 امام حسین (ع) با استعداد 8 گردان

لشکر 25 کربلا به استعداد 11 گردان.

لشکر 17 علی بن ابی طالب (ع) با استعداد 14 گردان

تیپ مستقل 44 قمر بنی هاشم (ع) با استعداد 5 گردان  
سپاه 7 حدید

قرارگاه قدس هدایت نیروهای زیر را عهده داشت:

لشکر 7 ولی عصر (عج) با استعداد 12 گردان

تیپ 15 امام حسین (ع) با استعداد 10 گردان

لشکر 8 نجف اشرف با استعداد 14 گردان

لشکر 41 ثارالله (ع) با استعداد 11 گردان

لشکر 19 فجر با استعداد 24 گردان

قرارگاه نجف هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت:  
سپاه 11 اقدر

لشکر 27 محمد رسول الله (ص) با استعداد 24 گردان

لشکر 31 عاشورا با استعداد 13 گردان

تیپ مستقل 10 سیدالشهدا (ع) با استعداد 7 گردان

ضمناً، از ارتش نیز یگان های زیر تحت امر فرماندهی این عملیات بودند :

لشکر 16 زرهی با استعداد 6 گردان تانک و 6 گردان مکانیزه

تیپ 84 خردم آباد با استعداد 4 گردان پیاده و 1 گردان تانک

هم چنین استعداد توپخانه شرکت کننده در این عملیات عبارت بودند از :

ارتش : 16 گردان

سپاه: 7 گردان

### طرح عملیات

در طراحی عملیات مقرر شد قوای دو قرارگاه کربلا و نجف به طرف العماره تک نمایند. در مرحله اول، قوای قرارگاه نجف در محور طاووسیه تا رشیده، حد فاصل خط تا کانال های آخر را تصرف کرده و در مرحله دوم و در ادامه تک، جناح راست تا حاشیه جنوبی دویرج (پشت جاده آسفالت فکه و در غرب بزرگراه و سرپل حلفائیه) را تصرف نمایند. نیروهای قرارگاه کربلا نیز می بایست با استفاده از معابر وصولی جای پای تصرف شده توسط قرارگاه نجف را تا جزایه ادامه داده و در پشت کانال پدافند نمایند. در مرحله دوم منطقه شرق غزیه و شمال هورالهویزه پاکسازی شده و سرپل غزیه تامین گردد. هم چنین با احداث خاکریز، جناح قوای کربلا می بایست تامین شود تا چنانچه ماموریت قوای نجف در رسیدن به جاده با مشکل مواجه شد، جناح قوای کربلا از تعرض و آسیب دشمن مصون بماند .

در صورتی که اهداف مراحل اول و دوم عملیات تحقق می یافت، چنین پیش بینی شده بود که با بازسازی یگان ها و ایجاد شرایط مناسب و نیز با توجه به وضعیت دشمن، عملیات در مرحله سوم به سمت العماره ادامه یابد. هم چنین مقرر شد در منطقه چیلان و طیب تک فریب انجام شود. لشکر 14 امام حسین (ع) نیز ماموریت داشت تا در منطقه فاو عملیات فریب انجام دهد .

### شرح عملیات

در ساعت 21:30 روز 1361/11/17 پس از اعلام رمز مبارک یاالله، یاالله، یاالله عملیات از پنج محور شمال و جنوب رشیده، صفریه و ارتفاعات چرم و خاک آغاز شد و نیروها در تاریکی مطلق شب به منظور پاکسازی میدین مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه

در این خطوط پیشروی کردند. وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانال های متعدد که دشمن برای ایجاد آن ها تلاش بسیاری متحمل شده بود، سرعت لازم را از نیروها گرفت. در نتیجه، اگر چه خط اول دشمن شکسته شده بود، لیکن به دلیل عدم پاکسازی منطقه - در حالی که تاریکی شب رو به پایان بود - طبیعی به نظر می رسید که امکان استقرار کامل وجود نداشته باشد. در واقع تاریکی مطلق شب، عدم الحاق نیروها و پاکسازی منطقه، عمق و وسعت زیاد میداین مین، هوشیاری و اطلاع قبلی دشمن نسبت به وقوع عملیات، عوامل بازدارنده ای بودند که به عدم تامین کامل اهداف مرحله اول عملیات منجر شدند .

به رغم وضعیت موجود به خاطر موقعیت خاصی که به تبع آغاز عملیات در میان مردم ایجاد شده بود و از طرفی به دلیل امیدواری مسئولین و نیز تبلیغات سوء دشمن و ... مرحله دوم عملیات در ساعت 21 روز 1361/11/20 به منظور انهدام نیرو و تجهیزات دشمن آغاز گردید. اما این بار نیز عدم هماهنگی در نیروهای عمل کننده و هم چنین هوشیاری دشمن و احاطه او بر راه کارهای خودی، مانع از پیشرفت رزمندگان گردید.

### بررسی عملیات

از ابتدای پیشروی نیروهای خودی از نقطه رهایی تارسیدن به خط دوم دشمن بیش از 16 نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا به صورت عارضه طبیعی منطقه وجود داشت. دشمن با این اقدامات در واقع آن چه را به صورت تجربه از عملیات های گذشته به دست آورده بود، تقریباً به صورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی اجرا کرد. ارتش عراق سعی داشت با موانع یاد شده تا حد امکان در پیشروی نیروهای ایرانی تاخیر بیندازد. از این رو، موانع مزبور به منزله زنگ خطر و عامل هشدار دهنده محسوب می شد. و از طرفی به طور طبیعی توان نیروها را جهت تامین اهداف در شب می گرفت، علاوه بر این، گرفتن جناح و به کارگیری نیروی احتیاط دو موضوع قابل توجه بود که در تاکتیک های دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده گردید .

موضوع دیگر این که در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خطوط حضور داشتند و به طور طبیعی در معرض آسیب پذیری نیروهای مهاجم بودند؛ لیکن در این عملیات نظر به این که دشمن شکستن خط را برای خود مفروض می دانست، نیروهای هجومی اش را در احتیاط قرار داد و با گذاردن نیروهای پدافندی در خط و عمق بخشیدن به میداین مین و ایجاد موانع دیگر عملاً سعی بر این داشت که پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم با وارد کردن نیروهای اصلی خود مناطق تصرف شده را باز پس گیرد .

### نتایج عملیات

با این عملیات طراحان نظامی خودی دریافته اند که عملیات های بعدی باید در مناطق عاری از نقاط قوت دشمن ( موانع، آتش توپخانه و ...) انجام شود. از سوی دیگر، مناطق انتخابی باید به گونه ای باشند که ضعف های خودی در آن کم تر بوده و جنگ متکی به نیروهای انسانی در آن مناطق عملی باشد. مضافاً به این که فرماندهان سپاه پاسداران به این نتیجه رسیدند که باید ضمن پرهیز از انتخاب مناطق با عمق زیاد، این انتخاب متناسب با قوای خودی باشد .

ضمناً در این عملیات علاوه بر انهدام قابل توجه تیپ های 905 و 704 و یک گردان از نیروهای سودانی تعداد 113 تن از نیروهای دشمن اسیر شدند.

### نبرد نفتکش ها

جنگ نفتکش ها چشم انداز جدیدی را به وجود آورد که بیانگر تشدید درگیری و مقدمه جنگ دریایی بود. بعد از آغاز جنگ در سال ۱۳۵۹ جنگ نفتکش ها با ساختار کلی جنگ در خلیج فارس چنان در آمیخته بود که تفکیک جنگ دریایی از روند کلی جنگ غیر ممکن بود .

برای نخستین بار عراق به ترمینال نفتی ایران در جزیره خارک در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی (۲ مهر ۱۳۵۹) حمله کرد و بیست روز بعد تعدادی از مخازن سوخت را در تهران مورد حمله قرار داد و قبل از آن نیز ۱۵۰ مخزن ذخیره نفت را در آبادان به آتش کشید.

حمله به میدان نفتی نوروز که یکی از ۳ میدان نفتی مهرگان و نزدیکترین حوزه نفتی فلات قاره ایران به جبهه جنگ بود؛ نیز مورد اصابت موشک های دشمن واقع شد که بر اثر تخریب لوله اصلی و نابودی کامل سکو باعث نشت روزانه ۲ تا ۲ هزار و پانصد بشکه نفت به آبهای خلیج فارس شد. تهاجمات عراق به سکوهای نفتی، تولید پالایشگاه های آبادان، تهران، شیراز و کرمانشاه را به کمتر از نصف تقلیل داد. در عین حال، آنچه «جنگ نفتکش ها» نامیده شد تأثیر ویژه ای بر آغاز جنگ در خلیج فارس داشت. تمایل عراق به گسترش جنگ با حمله به اهداف استراتژیک ایران در جزیره خارک و کشتی های در حال بارگیری یا تردد به این جزیره، نمایان شد.

جنگ نفتکش ها با عملیات رمضان و حمله عراق به جزیره خارک شروع و در تعیین نتیجه نهایی جنگ ایران و عراق به عاملی تحریک کننده تبدیل شد. بدین صورت که پس از ناکامی نخست عراق در حمله به خارک در سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ دور جدیدی از حملات عراق از سال ۱۳۶۳ آغاز شد و آنچه مورد نظر عراق بود در واقع در سال ۱۳۶۵ تحقق یافت و پیامدهای آن با اسکورت نفتکش ها در سال ۱۳۶۶ آشکار گردید و جنگ بر اثر گسترش و تشدید آن با مداخله قدرت های بزرگ در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید. تا پایان سال ۶۲ همه تلاش های عراق بر این موضوع متمرکز بود که کارایی جزیره خارک را برای صدور نفت ایران مختل کند، ولی تعدد نقاط بارگیری که برای ۵/۶ میلیون بشکه در روز طراحی شده بود - و تأسیسات محافظت شده، به ایران اجازه می داد از هدر رفتن نفت جلوگیری کند و بلافاصله از یک نقطه بارگیری به نقطه دیگر روی آورد. نقاط بارگیری مورد اصابت قرار گرفته نیز نسبتاً به راحتی تعمیر می شدند و این امر تلاش عراق را برای وارد آوردن آسیب بعدی برای اخلال یا توقف کامل صادرات نفت ایران با شکست همراه کرد. اما از سال ۱۳۶۳ به بعد تحوولی در وضعیت منطقه ایجاد شد؛ زیرا عراقی ها برای قطع صادرات نفت ایران حوزه عملیاتی را تا منطقه شمال قطر گسترش دادند و به صورت آشکار از دولت فرانسه هوایمی «سوپر اتاندارد» و موشک های «اگزوست» دریافت کردند تا توان دریایی خود را افزایش دهند. پیش از این، عراقی ها با موشک های ساحل به دریا یا با هوایمی و هلی کوپتر های معمولی به اهداف دریایی حمله می کردند، اگر چه این حملات دقیق نبود، اما عراقی ها با گرفتن موشک های ضد کشتی اگزوست، که قیمت هر یک از آنها بیش از یک میلیون دلار بود، فعالیت گسترده ای را آغاز کردند و در مجموع تا پایان جنگ از یک هزار و ۲۰۰ فروند موشک اگزوست استفاده کردند.

عراق برای تحقق اهداف خود در حمله به تأسیسات نفتی و نفتکش های ایران، به سلاح های جدید و گسترش عملیات هوایی نیاز داشت. به این منظور، طارق عزیز در پایان سال ۱۳۶۲ تقاضای خرید پنج فروند هوایمی «سوپر اتاندارد»، مجهز به موشک های «اگزوست» را تسلیم پاریس کرد. فرانسه اجازه داد خلبانان عراقی به طور محرمانه در یک پایگاه هوایی فرانسه در حوالی شهر «برست» آموزش ببینند. هوایمی سوپر اتاندارد که علی رغم اعتراض های ایران به عراق تحویل داده شد، نیروی هوایی عراق را متحول کرد. به نوشته یکی از نشریه های آمریکایی، به نقل از منبع خود در وزارت دفاع فرانسه، حتی خلبانان فرانسوی نیروهای عراقی را در جنگ نفتکش ها یاری دادند.

مرحله جدید حملات عراق در سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ متعاقب روابط جدید عراق با آمریکا آغاز شد و در نتیجه عراق سطح استراتژی حمله به اهداف مهم خود را ارتقا داد. در این مرحله، تجهیزات ارسالی به عراق از نظر حجم و کیفیت تغییرات اساسی کرد. فرانسه به درخواست های جدید عراق برای دریافت ۲۴ فروند میراژ پاسخ مثبت داد. تحویل هوایمیهای میراژ اف-۱ توانایی نیروی هوایی عراق را برای هدف قرار دادن خطوط حمل و نقل دریایی و بویژه خطوط نفتی ایران افزایش داد و همین امر باعث شد تا برای نخستین بار این هوایمیها به پالایشگاه اصفهان حمله و آن را بمباران کردند.

عراقی ها همچنین پالایشگاه نفت تبریز را در مرداد ۱۳۶۵ بمباران کردند. حملات عراق به جزیره لارک و سیری در تابستان سال ۱۳۶۵ بیان کننده تحول اساسی در حملات هوایی عراق و استفاده از روش سوختگیری در آسمان برای حمله به اهداف در عمق خاک ایران بود.

در جنگ نفتکش ها در حالی که در ۳ سال اول جنگ فقط به ۴۸ کشتی بازرگانی حمله شده بود، در سال ۱۳۶۳ به ۷۱ کشتی

بازرگانی حمله شد و در سال های ۶۴ و ۶۵ در مجموع بیش از ۱۲۰ هدف مورد حمله قرار گرفت. همچنین تلفات انسانی ناشی از این حملات در سال های ۶۳ تا ۶۵ به ۱۷۸ نفر رسید.

عراق با حمله به نفتکش ها و تأسیسات نفتی، موجب کاهش صادرات ایران شد. ایران در سال ۱۳۶۳ به میزان ۳۶/۱ میلیون بشکه، سال ۶۴ به میزان ۸/۱ میلیون بشکه و در سال ۶۵ به میزان ۵/۱ میلیون بشکه نفت در روز صادر کرد. در آمد نفتی ایران ۹/۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۳ و ۵۹/۱۲ میلیارد دلار در سال ۶۴ و ۸۱/۶ میلیارد دلار در سال ۶۵ بود.

در سال ۱۳۶۵ علاوه بر کاهش صدور نفت ایران، به دلیل کاهش قیمت نفت عملاً در آمد نفتی ایران، به کمترین میزان در سال های جنگ رسید. در نتیجه، ایران علاوه بر تحمل هزینه های بسیار، مجبور شد در قیمت نفت تخفیف های زیادی بدهد تا با امکان ادامه فروش، همچنان از درآمدهای نفتی برخوردار شود.

مقابله به مثل در جنگ نفتکش ها

سیاست ایران درباره مردم عراق و تفکیک مردم از حکومت بعث و همچنین نقش تاریخی ثبات بخشی ایران در خلیج فارس و نیاز به امنیت در منطقه برای صدور نفت، موجب شد تا ابتدا در برابر حملات عراق به نفتکش ها و شهرها هیچ واکنشی نشان ندهد، ولی ضرورت جلوگیری از افزایش فشار عراق به ایران و بازداشتن آن کشور موجب شد تا سیاست مقابله به مثل را اتخاذ کند.

سیاست مقابله به مثل در خلیج فارس از سال ۱۳۶۳ آغاز شد. چنانکه در سال های ۶۱ و ۶۲ با وجود حملات عراق به خارک و نفتکش ها (در کل ۳۸ مورد) ایران هیچ واکنشی از خود نشان نداد، تا این که از نیمه دوم سال ۱۳۶۲ با انتشار گزارش تحویل هواپیمای «سوپر اتاندارد» به عراق، نگرانی ایران افزایش یافت. در آن زمان نخست وزیر وقت مهندس موسوی گفته بود: «اگر خلیج فارس برای ایران نا امن شود، برای همه کشورها نا امن خواهد شد.» از این رو ایران با هدف بازدارندگی، موضوع مسدود کردن تنگه هرمز را مطرح کرد. «امام راحل نیز خطاب به کشورهای منطقه و کشورهایی که از نفت استفاده می کنند هشدار داد دولت ایران با قدرت تنگه هرمز را مسدود می کند، اما نظر به این که ماهیت سیاست های آشوب طلبانه حزب بعث- به دلیل نگرانی از شکست در جنگ- منشأ بحران آفرینی در خلیج فارس ارزیابی می شد لذا از قرار گرفتن در مسیر سیاست های عراق اجتناب شد و به همین دلیل ایران در تحلیلی که از اهداف و ماهیت سیاست های عراق داشت به جای مسدود کردن تنگه هرمز سیاست جدیدی را اتخاذ کرد و در اردیبهشت ۶۳ نخستین مقابله به مثل ایران، حمله به نفتکش دشمنی بود. در این مرحله از اقدام های دریایی و هوایی ارتش استفاده می شد و طبق آمارهای موجود در مجموع در سال ۶۳ عراق به ۵۳ نفتکش ایرانی حمله کرد در حالی که واکنش ایران حمله به ۱۸ نفتکش عراقی بود.

در تابستان سال ۱۳۶۴ عراق موج جدیدی از حملات گسترده را به خارک از سر گرفت؛ چنانکه شصت بار حمله هوایی در این دوره شش ماهه به ثبت رسید. با این حملات، نگرانی های ایران تشدید شد؛ زیرا علاوه بر خساراتی که متحمل شده بود سیاست مقابله به مثل تأثیر چندانی نداشت. در این مرحله عراق ۳۳ نفتکش و ایران ۱۴ نفتکش را مورد هدف قرار دادند. در نتیجه ایران بازرسی از کشتی ها را در تنگه هرمز آغاز کرد.

ایران برای بار دیگر سیاست های خود را برای دشمنان اعلام کرد: «روزی که ما نتوانیم از خلیج فارس نفت صادر کنیم، خلیج فارس برای هیچ کس نباید آماده صدور نفت باشد. اگر یک کشتی از ما زده شود، کشتی های دیگری هم زده می شود، حالا از هر کس می خواهد باشد.»

در شهریور ۱۳۶۴ فرمان امام (ره) برای تشکیل سه نیرو در سپاه نقطه عطفی در گسترش فعالیت های سپاه در منطقه خلیج فارس بود تا با امکانات کم و با روش های جدید و کم هزینه سیاست های مقابله به مثل را دنبال کند.

در سال ۱۳۶۵ سپاه مقابله به مثل را آغاز کرد. در حالی که عراق به ۶۶ نفتکش حمله کرد. ایران ۴۱ نفتکش را مورد حمله قرار داد. در واقع تعداد حملات در سال ۶۴ فقط ۴۷ مورد بود ولی در سال بعد به یکصد و هفت مورد افزایش یافت. علاوه بر این، سپاه در سال ۶۵ با عملیات کربلای ۳ اسکله العمیه را تصرف و عراق را برای مدتی از این پایگاه دریایی محروم کرد.

در همان سال به موازات حمله به نفتکش ها در مقایسه با سال قبل، قیمت نفت نیز به طور بی سابقه ای کاهش یافت، چنان که از ۲۶ دلار به ۶ دلار رسید. درآمد ارزی ایران در این سال فقط شش میلیارد دلار بود که بخش اعظم آن برای ادامه جنگ استفاده می شد.

حضور آمریکا در خلیج فارس

موقعیت نظامی ایران پس از تصرف منطقه فاو، کویت را نگران کرد که ایران نسبت به حمایت های آن کشور از عراق واکنش نشان دهد و در وضعیتی که ایران پیروزی جدیدی در منطقه شرق بصره به دست آورد و عراق مرحله سوم جنگ نفتکش ها را شروع کرده بود دولت کویت در تاریخ سیزده ژانویه ۱۹۸۷ م (۲۳ دی ۱۳۶۵) از سفارت آمریکا خواست تا نفتکش های کویت با نصب پرچم آمریکا از حمایت دریایی این کشور برخوردار شوند. کویت به شوروی نیز درخواست مشابهی داد. ابتدا ایالات متحده واکنش خاصی نسبت به این خواست نشان نداد، اما وقتی واشنگتن دانست شوروی حاضر شده است پرچم خود را روی یازده کشتی کویتی نصب کند، بلافاصله پذیرفت آن یازده کشتی را زیر پرچم خود محافظت کند. از این رو در تاریخ ۲۱ جولای ۱۹۸۷ (۳۰ تیر ۱۳۶۶) نخستین پرچم آمریکا بر نفتکش های کویتی برافراشته شد و نخستین کاروان (تحت اسکورت) براساس برنامه ریزی زمان بندی شده در ۲۲ جولای (۳۱ تیر ۶۶) وارد خلیج فارس شد. برخورد نفتکش «بریجتون» با مین، پیش درآمد برخوردهای میان نیروهای ایران و آمریکا بود، چنانکه در هشتم اکتبر (شانزده مهر ۶۶) بالگردهای آمریکایی به قایق های ایرانی تیراندازی کردند و متقابلاً ایران نیز اعلام کرد در تاریخ ۲۲ نوامبر (اول آذر) به چهار فروند بالگرد آمریکا تیراندازی کرده است. آمریکا همچنین سکوهای نفتی ایران را مورد تهاجم قرار داد. برخی از تحلیلگران معتقدند حادثه کشتی «بریجتون» از لحاظ سیاسی به ضرر آمریکا تمام شد و اگر ایران اقدام تلافی جویانه انجام می داد این ضرر بیشتر می شد. در هر صورت درگیری ایران و آمریکا با حملات متقابل ادامه یافت. در این مرحله، گرچه آمریکا هدفش اسکورت نفتکش ها و تأمین امنیت آمد و شد کشتی ها در خلیج فارس بود، ولی آمارها نشان می دهد دامنه درگیری ها با گذشت زمان رو به افزایش گذاشت. در حالی که در سال ۱۹۸۶ م (۱۳۶۵) در مجموع به یکصد و یازده هدف دریایی حمله شد، ولی در سال ۱۹۸۷ م (۱۳۶۶) این آمار به ۱۷۹ هدف افزایش یافت، که از این تعداد ۸۸ هدف را عراق و ۹۱ هدف را ایران مورد حمله قرار داد در حالی که این آمار در سال قبل، ۶۶ هدف از سوی عراق و ۴۵ هدف از سوی ایران بود. علاوه بر این، انفجار دفتر هواپیمایی «پان امریکن» در کویت و اصابت موشک به بندر الاحمدی کویت نشان داد، حضور آمریکا به دلیل اهداف و ماهیت آن، ناامنی بیشتری را به دنبال دارد. بسیاری از ناظران و تحلیلگران، رویارویی ایران و آمریکا را نشان دهنده فشار آمریکا و متحدانش برای واداشتن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و ترک عملیات نظامی و ورود به مرحله سیاسی و دیپلماسی عنوان کردند.

سرانجام با تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۶ در شورای امنیت سازمان ملل، روند درگیری در منطقه خلیج فارس در زمستان ۱۳۶۶ روبه کاهش گذاشت. یکی از عوامل مهم در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، تغییر استراتژی حمایت مستقیم از صدام، تحت پوشش حفظ صلح و امنیت بین المللی در خلیج فارس و جلوگیری از تبلیغات جهانی برضد ایران و جنگ طلب دانستن این کشور بود.

منابع:

منصوری لاریجانی، اسماعیل، تاریخ دفاع مقدس

درودیان، محمد، نقد و بررسی روند پایان جنگ

اسکندری، محمد، جنگ تحمیلی از دیدگاه حقوق بین الملل

### عملیات اچ 3 متهورانه ترین عملیات هوایی تاریخ جهان

عملیات اچ 3 یکی از بزرگترین عملیاتهای هوایی دنیاست که به نام فانتومها ثبت شده است. فانتومهای ایرانی طی یک عملیات پیچیده و تحسین برانگیز در 4 آوریل 1981 (فروردین 1360) پایگاه هوایی الولید در مجموعه اچ 3 واقع در غرب عراق، در نزدیکی مرز این کشور با اردن را بکلی نابود کردند...

حمله هوایی به پایگاه نظامی الولید:

عملیات اچ 3 یکی از بزرگترین عملیاتهای هوایی دنیاست که به نام فانتومها ثبت شده است. فانتومهای ایرانی طی یک عملیات پیچیده و تحسین برانگیز در 4 آوریل 1981 (فروردین 1360) پایگاه هوایی الولید در مجموعه اچ 3 واقع در غرب عراق، در نزدیکی مرز این کشور با اردن را بکلی نابود کردند. در مجموع بیش از 48 هواپیمای عراقی که بیشتر آنها بمب افکنهای روسی (میگ 23، سوخو 20، تیپو 16، تیپو 22) بودند در این عملیات از بین رفتند. حمله به اچ 3 از لحاظ فنی یکی از پیچیده ترین عملیاتهای هوایی جهان بشمار می رود و از نظر دستاوردهای نظامی نیز با توجه به نابودی کامل 48 هواپیمای دشمن در رده بزرگترین و موفقترین عملیاتهای نظامی جهان قرار می گیرد. این عملیات در 1981 یعنی زمانی که نیروی هوایی ایران از برتری بی چون و چرای بر نیروی هوایی عراق برخوردار بود به انجام رسید.

می دانیم که در اول مهرماه 1359، یکروز پس از آغاز جنگ و حملهی هواپیماهای عراقی به فرودگاه مهرآباد نیز یکی از بزرگترین عملیاتهای هوایی جهان با شرکت بیش از یکصد و چهل هواپیمای جنگی بر فراز عراق انجام شد. این عملیات از نظر تعداد هواپیماهای شرکت کننده در آن یکی از منحصر بفرد ترین نبردهای هوایی جهان پس از جنگ جهانی دوم بشمار می رود. در این حمله بسیاری از تاسیسات زیربنایی عراق، پایگاهها و دپوهای ارتش عراق در مرز این کشور با ایران نابود شد. در سال 1981 منابع اطلاعاتی ایران دریافتند که نیروی هوایی عراق تعدادی از بمب افکنهای خود را برای دور ماندن از حملات هواپیماهای ایرانی و جلوگیری از نابودی آنها بر روی باند فرودگاه به پایگاهی در دورترین نقطهی غرب این کشور منتقل ساخته است؛ به یکی از پایگاههای سه گانهی اچ 3 با نام الولید. هیچ کارشناس نظامی تا آنوقت تصور نمی کرد که این پایگاهها که در غربی ترین نقطهی خاک عراق و در نزدیکی مرز این کشور با اردن واقع شده است روزی هدف حملهی جنگندههای ایرانی قرار گیرد. هواپیماهای ایرانی برای بمباران این پایگاه میبایست از مرزهای شرقی عراق وارد شده و پس از گذشتن از آسمان بغداد و بسیاری از شهرهای دیگر که تاسیسات پدافندی موثری داشتند به اچ 3 می رسیدند و پس از انجام عملیات دوباره از همین مسیر باز می گشتند. در تمام طول مسیر جدای از موشکهای زمین به هوا و توپهای ضد هوایی، هواپیماهای رهگیر عراقی نیز وجود داشتند که در صورت حمله، با توجه به برتری تعداد آنها نسبت به هواپیماهای مهاجم ایرانی بدون شک ادامهی عملیات را برای هواپیماهای ایرانی غیرممکن میساختند. عبور جنگندههای ایرانی از عرض کشور عراق و رسیدن به دورترین نقطهی خاک این کشور مسئلهای نبود که از چشم رادارهای عراقی پنهان بماند. با توجه به این مسائل احتمال یک حملهی غافلگیرانه از طرف ایران منتفی و غیرممکن انگاشته میشد. اما در آنسوی جریان، افسران نیروی هوایی ایران باور دیگری داشتند. خلبانان ایرانی مصمم بودند تا این عملیات را به هر طریق ممکن به انجام رسانند. بدین ترتیب پایگاه هوایی نوزهی همدان آستن یکی از رویدادهای بزرگ جنگ شد. در این پایگاه افسران نیروی هوایی به طراحی یکی از شگفت انگیزترین و جسورانه ترین حملات هوایی تاریخ پرداختند.

تامکت های ایرانی بیشتر در پشت مرزها به پشتیبانی هواپیماهای در عمق رفته می پرداختند

تنها نمونه های دیگر برای عملیات اچ 3، عملیاتی بود که نیروی هوایی اسرائیل در جنگهای 1967 و 1973 موفق به انجام آن شده بود. در ژوئن 1967 طی جنگهای شش روزه، اسرائیلیها بخش اعظم نیروی هوایی مصر را روی زمین از میان برداشتند. در اکتبر 1973 نیز، طی جنگهای بیست روزه (که اعراب آنرا جنگ رمضان و اسرائیلی ها آنرا جنگ یوم کیپور نام نهادند) نیروی هوایی اسرائیل موفق

شد بسیاری از هواپیماهای مصری را بر روی باند فرودگاه از میان بردارد. در همین سال چهار فانتوم اسرائیلی ساختمان ستاد مشترک ارتش سوریه را در قلب دمشق با خاک یکسان کردند (که البته فقط دو تای آنها سالم به پایگاههایشان بازگشتند). حال ایرانیها می رفتند تا عملیاتی را به انجام رسانند که در صورت موفقیت به یک اسطوره در تاریخ جنگهای هوایی بدل می شد. در طراحی عملیات به گونه‌ای عمل شد که در وهله اول به یک داستان علمی، تخیلی بیشتر شباهت داشت تا یک عملیات هوایی در شرایط جنگ واقعی. قرار بود 8 فانتوم، از فرودگاهی در شمال غرب کشور به پرواز درآیند. این هواپیماها باید از کوهستانهای مرزی عراق و ترکیه و در ارتفاعی پایین پرواز می کردند و پس از طی مسافتی طولانی بر روی خط مرزی عراق و ترکیه (که احتمالاً در مواقعی نیز مستلزم تجاوز به حریم هوایی ترکیه بوده است) خود را به اج 3 برسانند. فانتومها پس از فروریختن بمبهایشان بر سر هواپیماهای عراقی مبیایست از همان مسیر قبلی به پایگاههای خود بازمیگشتند. عملیات باید کاملاً غافلگیرانه انجام میشد و فانتومها تا لحظهای که بر فراز اج 3 ظاهر می شدند نباید هیچ نشانه‌ای از یک حمله هوایی را آشکار میکردند. در راه بازگشت مسلماً عراقیها که دیگر از حمله آگاه شده بودند هواپیماهای خود را بدنبال فانتومها می فرستادند و هواپیماهای ایرانی در اینجا نیز باید در صورت درگیری خود را حفظ میکردند. در تمام طول مسیر هواپیماها مبیایست در ارتفاع پایین (20 تا 30 متری) پرواز می کردند تا از دید رادارهای دشمن پنهان بمانند. در حالت عادی، پرواز در ارتفاع پایین به قدرت و مهارت بسیاری نیازمند است اما پرواز در ارتفاع پایین بر فراز منطقه‌های کوهستانی تقریباً به کاری غیرممکن میماند که تنها از عهدهی خلبانانی بر میآید که دارای مهارت و قدرت عکس العمل بالایی باشند. (تصور غیر ممکن بودن چنین کاری چندان دشوار نیست. در حالت رانندگی با یک اتومبیل با سرعتی معدل 200 کیلومتر بر ساعت بسیاری از مواقع راننده پس از مشاهدهی مانعی در مقابل خود به سختی می تواند از خود عکس العمل نشان دهد. زمانی که چشم انسان موفق به دیدن مانعی در برابر خود می شود و مغز دستور عکس العمل اعضای بدن را از قبیل؛ گرفتن کلاچ، فشار بر روی ترمز یا ... را صادر می کند اتومبیل با سرعت 200 کیلومتری خود عملاً به مانع رسیده است و برخورد اجتناب ناپذیر جلوه می کند. حال وضعیتی را تصور کنید که خلبان ناگهان با دیدن قلهای در مقابل خود سعی در بالا کشیدن هواپیما میکند. طی چند ثانیه خلبان باید هواپیما را از فراز مانع عبور دهد در حالی که با 2/5 برابر سرعت صوت به سمت آن در حرکت است. این توضیح می تواند دشواری پرواز بر فراز کوهستان در ارتفاع پایین را نشان دهد.)

عملیات اگر فقط همین مشکلات را هم داشت به اندازهی کافی غیرممکن به نظر می رسید اما مسئلهی دیگری وجود داشت که مهمترین چالش پیش روی عملیات بود. هیچ هواپیمایی به علت محدودیت سوخت نمی توانست چنین مسیر طولانی را رفته و بازگردد. پس در حین عملیات و بر فراز آسمان عراق که نفوذ با جنگنده ها هم در آن به اندازهی کافی دشوار بود می بایست یک بویینگ برای رساندن سوخت به فانتومها با آنان همراه میشد. آیا یک بویینگ میتواند خود را از دید رادارها مخفی کند؟ سرعت بویینگ بسیار کمتر از سرعت هواپیماهای جنگنده است بنابراین فانتومها نمی توانستند همراه این هواپیماهای غول پیکر حرکت کنند و در تمام طول مسیر از آن در برابر جنگنده های عراقی محافظت کنند، حال اگر بویینگ در هر مرحله از عملیات توسط عراقیها هدف قرار میگرفت تکلیف فانتومها چه بود؟ اصولاً آیا یک بویینگ 707 شانس برای گذشتن از مرز عراق و رسیدن به نقطهای که باید سوختگیری در آن انجام می شد را داشت و یا در همان مراحل آغاز عملیات هدف هواپیماهای رهگیر عراقی قرار میگرفت؟ طبق برنامه ریزی عملیات، پس از اولین نوبت سوختگیری هواپیمای مادر باید صبر میکرد تا فانتومها عملیاتشان را بر فراز اج 3 انجام دهند و در راه بازگشت (که این بار دیگر عراقی هوشیار شده بودند) دوباره عملیات سوختگیری هوایی را انجام می داد. در هر مرحلهای از عملیات امکان داشت واقعهی ناخوشایندی برای هواپیمای سوخت رسان که ذاتاً بیدفاع بود رخ دهد و می دانیم که سرنوشت فانتومها با سرنوشت بویینگ کاملاً گره خورده بود. علیرغم تمامی این مشکلات و برغم اینکه چنین عملیات جسورانه‌ای تا بحال توسط هیچ کشوری در جهان انجام نشده بود افسران ایرانی به اجرای آن مصمم بودند. در نهایت پس از بررسیها و برنامه ریزیهای دقیق، روز سرنوشت ساز فرا رسید. فانتومها روز قبل، از پایگاه نوره به پایگاهی در ارومیه پرواز کرده بودند. روز عملیات هر هشت هواپیما در دو گروه چهار تیمی از باند فرودگاه برخاستند

و از شمال شرق و از فراز کوههای آرارات وارد منطقهی مشترک مرزی عراق و ترکیه شدند و در ارتفاع پایین بر فراز کوهستانهای این منطقه بسمت غرب عراق حرکت کردند. در جایی بسیار دورتر در فرودگاه لارناکا در قبرس یک هواپیمای بوئینگ 707 متعلق به هواپیمایی ملی ایران (هما) ساعتی قبل وارد فرودگاه لارناکا شده بود و طبق برنامه ریزی قبلی آماده می شد تا بدون مسافر به تهران باز گردد.

قبل از آنکه هواپیما باند فرودگاه را ترک کند دو مامور اطلاعاتی ایران که همراه مسافرین این پرواز همان روز وارد قبرس شده بودند به داخل کابین خلبان رفتند و با خلبان هواپیما به گفتگو نشستند. خلبان نمیتوانست چیزی را که میشوند باور کند. انجام چنین کاری دیوانگی محض بود، شانس موفقیت چیزی در حد صفر جلوه می کرد و کاملاً غیرممکن بنظر میرسید. طراحان عملیات با خود چه فکری کرده بودند؟ این نقشه به فیلمنامهی فیلمهای هالیوودی شباهت داشت و فقط با جادوی سینما و بر روی پردهی نقرهای امکان تحقق داشت. حتی خیالباfterین فیلمنامه نویسان هالیوودی نیز تاکنون جرات طراحی چنین عملیاتی را به خود نداده بود. او حتی بیاد نداشت که در فیلمهای سینمایی هم چنین چیزی دیده باشد. از نظر او انجام اینکار مطلقاً غیرممکن بود. جدای از این مساله او یک خلبان غیرنظامی بود و هیچگاه تصور نمیکرد که روزی در یک عملیات نظامی نقشی داشته باشد. اما اکنون، در کمال ناباوری خود را در بطن یکی از شگفت انگیزترین نبردهای هوایی جهان مییافت که همه چیز آن به عملکرد او بستگی داشت. دقایقی بعد بوئینگ 707 هواپیمایی ملی ایران، پس از اطلاع مسیر خود به برج مراقبت فرودگاه لارناکا از زمین برخاست و ظاهراً به سمت تهران و در واقع بسمت یکی از سرنوشتسازترین جنگهای هوایی دنیا شتافت. برنامه ریزی عملیات به طرز دقیقی صورت گرفته بود و در ساعتی مشخص هواپیمای بوئینگ میباید بر فراز کوهستانهای مرزی ترکیه و عراق با فانتومها ملاقات میکرد. هواپیمای سوخت رسان در تماس با فرودگاههای قبرس و آنکارا وانمود کرد که مسیرش را گم کرده و در حال مسیریابی مجدد است. در ساعت مقرر تانکر سوخت رسان با فانتومها در همان نقطهی پیش بینی شده روبرو شد. فانتومها توانسته بودند با سکوت رادیویی و پرواز در ارتفاع پایین خود را از دید رادارهای عراقی پنهان دارند. ظاهراً چندین بار هواپیماها در رادارهای عراقی و ترکیه ای ظاهر می شوند اما عراقی ها تصور می کنند هواپیماها متعلق به نیروی هوایی ترکیه است که مشغول گشتزنی در طول مرزهایشان هستند.

این اشتباهی بود که کنترلهای زمینی ترکیه نیز مرتکب شدند. هر هشت هواپیما که سوختشان پس از طی مسیری طولانی در حال اتمام بود به طور منظم عملیات سوختگیری هوایی را انجام دادند و با شتاب به سوی هدفی رهسپار شدند که بیصبرانه انتظارشان را می کشید. هواپیمای بوئینگ نیز با احتیاط کامل مشغول گشتزنی در طول مسیر شد تا در بازگشت، دوباره عملیات سوخت رسانی به فانتومها را انجام دهد. در آنسو فانتومها در ارتفاعی پایین و در حالتی که خلبانان آن می توانستند کوچکترین حرکتی را بر روی زمین با چشم غیرمسلح ببینند به سمت اچ 3 در حرکت بودند. ساعتی بعد هر هشت هواپیما ناگهان بر فراز پایگاه ظاهر شدند. پرسنل پایگاه که با توجه به دور بودنشان از مرزهای شرقی هیچگاه تصور نمی کردند هدف هیچ نوع حملهای قرار گیرند در ابتدا بهتصور اینکه هواپیماها خودی هستند شروع به تکان دادن دستهایشان کردند. بر فراز پایگاه، فانتومها ارتفاعشان را افزایش دادند و پس از تقسیم شدن به دو گروه چهارتایی به سمت هدف شیرجه رفتند. لحظاتی بعد بمبهای چهار فانتوم اول، بصورت یک ردیف منظم بر روی هواپیماهایی که بر روی باند قرار داشتند فرود آمد و تمامی آنها را در همان لحظات اولیهی عملیات نابود کرد. دیگر هیچ هواپیمایی نمی توانست از باند فرودگاه بلند شود. فانتومهای گروه دوم نیز دو مجتمع راداری را در قلب پایگاه مورد حمله قرار دادند و سپس با خیال راحت به درهم کوبیدن آشیانههای هواپیما و توپهای ضد هوایی پرداختند. در چند دقیقه پرسنل پایگاه در جهنمی از آتش که از همه جا شعله میکشید بدام افتاده بودند. در برابر دیدگان ناباور آنها پایگاه اچ 3 با تمامی ابهت و نفوذ ناپذیریاش در زیر آتش سنگین فانتومهای ایرانی به تلی از خاکستر بدل شده بود. فانتومها که تمامی دفاع ضد هوایی پایگاه را از بین برده بودند اینبار در ارتفاع پایین بر روی خرابه های آن به شکار سربازانی مشغول بودند که اغلبشان حتی یونیفورمهایشان را بر تن نکرده بودند و بی هدف به اینسو و آنسو می دویدند. توپهای فانتومها با

سیلی از رگبار گلوله به سمت هر هدف جنبندهای شلیک میکردند و باند فرودگاه مملو از اجساد سربازانی بود که بر روی بازماندههای خرابهها افتاده بودند. فانتومها که دیگر چیزی برای نابود کردن باقی نگذاشته بودند بسرعت صحنهی عملیات را ترک کردند.

پشت سر آنها تلی از خاکستر بجا مانده بود که تا چند دقیقه پیش پایگاه هوایی الولید نام داشت. جایی که قرار بود مکانی امن برای هواپیماهای عراقی باشد. بر روی باند فرودگاه و در آشیانههایی که آتش از آنها زبانه می کشید تکه پارههایی از آهن و فولاد بچشم میخورد که زمانی بر صحنهی آسمان ایران با نخوت و غرور به پرواز در میآمدند و بمب هایشان را فرو می ریختند. تمامی آن پرنده های پر غرور که دیرزمانی باعث افتخار ارتش عراق بودند اکنون در مانده و متلاشی شده در میان شعله های آتش به دور شدن فانتومهایی نظاره میکردند که بسوی پایگاههایشان باز میگشتند. در بازگشت، فانتومها باز به همان شیوهی پیشین خود را از دید رادارهای عراقی پنهان کرده و در نقطهی موعود پس از سوختگیری دوباره، پرواز خود را به سمت ایران ادامه دادند. هواپیمای سوخت رسان که ماموریتش به اتمام رسیده بود با خروج از نوار مرزی عراق و ترکیه از طریق آسمان ترکیه به تهران بازگشت. قبل از عبور فانتومها از مرز عراق دفاع ضد هوایی این کشور که متوجه هواپیماهای ایرانی شده بود به سمت آنها آتش گشود و یکی از هواپیماها مورد اصابت قرار گرفت به گونهای که دیگر نمی توانست تا رسیدن به پایگاه به پرواز خود ادامه دهد، پس بعنوان حسن ختام نمایش و برای تکمیل کردن کلکسیون کارهای عجیب و غریب این عملیات، در وسط جادهای اتوموبیلرو در آذربایجان غربی به زمین نشست. بقیهی هواپیماها بدون هیچ آسیبی عملیات را به پایان بردند. در طول عملیات طی چند نوبت هواپیماهایی ایرانی برای منحرف کردن توجه عراقیها از فانتومهایی که بسمت اچ 3 در حال پرواز بودند چندین عملیات ایذایی را بر روی خاک دشمن انجام دادند. هنگام بازگشت نیز همین کار تکرار شد و هواپیماهای ایرانی با حملات ایذایی شکاریهای دشمن را بدنبال خود می کشیدند و سپس به سمت ایران می گریختند. در ابتدا عراقیها که کاملاً غافلگیر شده بودند تصور کردند که حمله از جانب اسرائیلیها صورت گرفته است. با توجه به نزدیکی اسرائیل به اردن و اینکه در سال 1967 نیز اسرائیلیها فرودگاههای این کشور را بمباران کرده بودند احتمال اینکه حمله از جانب اسرائیلیها صورت گرفته باشد بسیار محتملتر بنظر می رسید تا اینکه هواپیماهای ایرانی توانسته باشند چنین مسیر طولانی را طی کنند و علیرغم وجود پدافند هوایی عراق در دو نوبت بر فراز آسمان این کشور سوختگیری هوایی را انجام داده باشند.

اما پس از مدتی عراقیها دریافتند که هدف یکی از جسورانه ترین عملیتهای هوایی تاریخ جهان قرار گرفته اند. حمله به اچ 3 در نوع خود بینظیر بود. پیش از این همانگونه که اشاره شد اسرائیلی ها در جنگهای 1967 و 1973 توانسته بودند عملیتهای شگفت انگیزی انجام دهند اما نکته ای که نباید از نظر دور داشت این است که بعد مسافتی آن عملیتهای بسیار کوتاهتر از عملیات اچ 3 بود بگونهای که اسرائیلیها هیچگاه مجبور به سوختگیری هوایی در قلب خاک دشمن نبودند. در مورد حمایتهای اطلاعاتی و تکنولوژیکی امریکا از اسرائیل نیز در جنگهای 67 و 73 فقط همین نکته بس که در 1973 امریکاییها در تمام بیست روزی که جنگ ادامه داشت با برقراری یک پل هوایی از پرتغال به اسرائیل سیلی از تجهیزات جنگی و لوازم یدکی هواپیماها را بسوی اسرائیل سرازیر کردند بطوری که در همین هنگام زمانی که شش فانتوم اسرائیلی توسط موشکهای سام روسی در آسمان سوریه سرنگون شدند امریکاییها بیدرنگ این هواپیماها را جایگزین کردند تا برتری هوایی ارتش اسرائیل بر اعراب همچنان حفظ شود. اما لازم به گفتن نیست که ایران در طول جنگ همواره از پشتیبانی اطلاعاتی و تکنولوژیکی غرب محروم بود و امریکاییها حتی لوازم یدکی هواپیماهای ساخت خودشان را نیز به ایران تحویل نمیدادند. اغراق نیست اگر این عملیات را که در زمان خود بهت و حیرت بسیاری از کارشناسان نظامی غرب را موجب شده بود یکی از شگفت انگیزترین و قاطع ترین نبردهای هوایی جهان بدانیم.

## مروری بر عملیات والفجر 2

پس از عملیات والفجر مقدماتی، بار دیگر شرایط جنگ به نحوی مطرح شد که به نظر می رسید با افزایش توانایی های نظامی دشمن، بدون تغییرات اساسی در شیوه نبرد، ادامه جنگ مشکل خواهد بود. از این رو، تا رسیدن به آن نقطه لازم بود روند عملیات ها ادامه یافته تا از رکود جبهه به مدت زیاد جلوگیری شود.

بدین ترتیب، پس از بحث و بررسی مناطق مختلف مقرر شد، عملیات های والفجر ۲، ۳ و ۴ انجام شود. مهم ترین مسأله ای که در این عملیات ها مورد نظر بود، به کارگیری نیروی اندک، دادن تلفات کم و جلوگیری از وارد شدن ضربه اساسی به توان یگان ها و تضمین موفقیت عملیات بود.

### اهداف عملیات

عملیات والفجر ۲ در منطقه پیرانشهر، در حد فاصل بین ارتفاعات قمطره و تمرچین، با اهداف زیر تدارک دیده شد: ۱- انهدام نیروی دشمن و گرفتن اسیر. ۲- تجزیه نیروی دشمن. ۳- تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه. ۴- تصرف پادگان حاج عمران و تسلط بر شهر چومان مصطفی

### موقعیت طبیعی و اهمیت منطقه

پادگان حاج عمران در موقعیتی سوق الجیشی واقع شده است؛ بدین ترتیب که از شمال به ارتفاعات چنارستان و کلاشین، از جنوب به ارتفاعات بسیار مرتفع سکران و کدو و از شرق به ارتفاعات تمرچین و شهر مرزی پیرانشهر، و از غرب به تنگه دربند و شهر چومان مصطفی عراق، محدود می شود. آنچه بر اهمیت منطقه و ضرورت تصرف آن می افزود، اساساً تبعات بعدی آن بود که قسمتی از آن چنین است:

- ۱- تسلط بر تردد ضدانقلاب و کنترل آن.
- ۲- ایجاد تسهیلات و پشتیبانی از افراد مسلمان و مبارز عراقی.
- ۳- فراهم سازی امکان گسترش عملیات نامنظم در خاک عراق
- ۴- حفظ پیرانشهر از هر گونه تهاجم و تجاوز نیروهای عراقی. ۵- زمینه سازی نزدیکی بیشتر به شهر و تأسیسات نفتی کرکوک

### موقعیت دشمن در منطقه

دشمن در سراسر منطقه، سه رده خط پدافندی داشت که هر رده آن پوشیده از موانع و استحکامات بود و همچنین استعداد دشمن در حدود ۲ تیپ پیاده و یک گردان زرهی، به عنوان نیروی درگیر و یک تیپ پیاده و آتشبار مختلف و مجموعاً ۳۰ یگان در منطقه بود.

### مأموریت و طرح مانور

مبنای طرح مانور، عملیات تک دورانی (دور زدن دشمن) بود تا بدین وسیله هرگونه فرصت عکس العمل از دشمن گرفته شود، بدین ترتیب که ۴ گردان سمت راست و ۳ گردان سمت چپ وارد عمل می شدند و پس از دور زدن ارتفاعات، در تنگه دربند الحاق می نمودند و نهایتاً پاکسازی به طور کامل انجام می پذیرفت. سازمان رزم و نحوه ادغام نیروهای سپاه و ارتش بدین شکل بود که مجموعاً ۱۶ گردان از سپاه و ۶ گردان پیاده و یک گردان مکانیزه از نیروی زمینی ارتش در عملیات شرکت داشتند. همچنین پشتیبانی عملیات از سوی هوانیروز، با توجه به موقعیت منطقه و صعب العبور بودن ارتفاعات پیش بینی شد.

## شرح عملیات

در ساعت ۱ بامداد روز ۴/۲۹/۶۲، عملیات والفجر ۲ با رمز «یا الله» آغاز شد. قسمتی از نیروهای خودی ۲۴ ساعت قبل از آغاز تک، به منظور دور زدن دشمن، از خط عزیمت خود حرکت نمودند و پس از ۲ ساعت راهپیمایی موفق شدند خود را به مناطق تعیین شده رسانده، برای شروع عملیات اعلام آمادگی کنند.

به رغم این که نیروها پس از ۲ ساعت تأخیر در تمامی محورها، با دشمن درگیر شدند، لیکن پیشروی قابل توجهی صورت گرفت. اما از آن جا که دشمن بر ارتفاعات سرکوب منطقه تسلط داشت، آتش شدید توپخانه اش عملاً مانع از تکمیل و دستیابی به تمامی اهداف عملیات شد، به طوری که همچنان ارتفاعات «کینگ»، «۲۵۱۹ بردسر» و «دربند» را در اختیار داشت.

در ادامه عملیات در صبح روز ۵/۳/۶۲ روستای رایات به دست نیروهای خودی تصرف شد و ضمن محاصره چند روستای دیگر، گمرک جاده پیرانشهر-حاج عمران آزاد گردید. همچنین پس از آن که نیروهای خودی بر قسمتی از ارتفاعات ۲۵۱۹ تسلط یافتند، دشمن طی دو نوبت به ارتفاعات یاد شده پاتک نمود که در نوبت اول مجبور به عقب نشینی شد و در نوبت دوم توانست بر قسمتی از آن تسلط یابد. اما پس از آن که هوانیروز امکان یافت که نیروهای خودی را تدارک کند، مابقی نیروهای دشمن پاکسازی شدند و بدین ترتیب ارتفاعات ۲۵۱۹ به طور کامل به تصرف نیروی خودی درآمد.

همچنین دشمن در تاریخ ۵/۵/۶۲ با ۱۶ فروند هلیکوپتر و با استفاده از هلی برد به یال ارتفاعات کلو حمله کرد که در پی آن ۶ فروند هلی کوپتر خود را از دست داد. یکی از این هلیکوپترها مملو از نیرو بود. نیروی دشمن که در پاتک ها شرکت داشتند، مجموعاً ۶۶ نیروی مخصوص، تیپ ۵ و تیپ ۹۱ پیاده و نیز تیپ ۱۱۳ و ۴۳۳ پیاده کوهستانی را شامل می شد.

## دستاوردها و نتایج عملیات

عملیات حاج عمران، با آزادسازی ۲۰۰ کیلومترمربع از خاک دشمن و تسلط بر قسمتی از ارتفاعات سرکوب منطقه، به پایان رسید. طی این عملیات، مناطق زیر به تصرف نیروهای خودی درآمد: پاسگاه مرزی ترمچین عراق، پادگان حاج عمران، گمرک مرزی، سلسله ارتفاعات «کلو» و قله استراتژیک (۳۰۰۰ متری) آن، ارتفاعات ۲۵۱۹ (گردمند)، «سرسول»، «آزادی» ۳۷۰۰ «سلمان»، ۲۴۰۰ «شیوه کارتا»، «بردرد»، همچنین آزادسازی روستاهای زینو «ممی خلان»، «رایات»، «شیوش»، «خوارو»، «میوتان بالا» و میوتان پایین، از نتایج این عملیات بود. تسلط رزمندگان اسلام بر شهر چومان مصطفی و حومه آن نیز قسمت دیگری از دستاوردهای این عملیات محسوب می شد.

## تلفات دشمن و غنائم

مجموع کشته ها و زخمی های دشمن به بیش از ۶ هزار نفر رسید، ۲۰۰ نفر به اسارت گرفته شدند و نزدیک به ۵۰ پایگاه دشمن منهدم و یا تصرف گردید .

همچنین از مقر تیپ ۹۱ که مأمور حفظ پادگان و منطقه بود مدارک و اسناد بیشماری به دست آمد که حاکی از روابط عمیق گروهک های کومله و دمکرات با حکومت عراق بود. در میان غنائم، چندین قبضه توپ ۱۲۲ م.م، بیش از ۲۰ دستگاه تانک، ده ها دستگاه تفنگ ۱۰۶ با ماشین، انواع مختلف ادوات و نیز مقدار معتابهی سلاح و مهمات، که از انبار پادگان حاج عمران به دست آمده بود، به چشم می خورد.

## عملیات والفجر 3

ارتش عراق پس از شکست در عملیات بیت المقدس و عقب نشینی سراسری خود، ارتفاعات مهم و سرکوب مرزی را در اختیار داشت و به این ترتیب چند شهر مرزی همچون مهران زیر دید و تیر دشمن بود.

ارتش عراق با استقرار نیروهای خودی روی ارتفاعات مرزی مهران، علاوه بر ایجاد تسلط بر این شهر، موفق شده بود با نیروی کمتری از منطقه بدره پدافند کند. حال آن که عقب راندن دشمن از روی ارتفاعات مرزی، پدافند در دشت را به او تحمیل می کرد و در نتیجه نیروی بیشتری زمین گیر می شد. بر همین اساس، طرح تأمین مهران - به عنوان دومین عملیات محدود در شرایط جدید - در دستور کار قرار گرفت .

## اهداف عملیات

- آزادسازی شهر مهران از زیر دید و تیر دشمن.
- ایجاد سهولت در برقراری ارتباط شهرهای دهلران - مهران و نیز ایلام - مهران.
- تحمیل خطوط پدافند به دشمن و کشاندن او از ارتفاعات به دشت.

## انهدام دشمن

بازپس گیری ارتفاعات و عوارض حساس زالوآب - که به این وسیله دید دشمن نسبت به تنگه کنجاپنجم و حوالی سد کنجاپنجم و دشت مهران کور گردید.

آزادسازی ارتفاعات «نمه کلان بو» و قسمتی از ارتفاعات قلاویزان - که دشمن را از تسلط کامل بر شهر مهران محروم کرد و متقابلاً شهر بدره و عقبه دشمن به زیر دید قوای جمهوری اسلامی درمی آمد.

## موقعیت منطقه

در منطقه دشت مهران، دو رشته ارتفاعات وجود دارد: در شمال، ارتفاعات زالوآب و کانی سخت و نمه کلان بو واقع است که قسمت عمده آن در خاک ایران قرار دارد. در جنوب نیز ارتفاعات قلاویزان واقع است که مرز ایران و عراق را مشخص می سازد. بین دو ارتفاع یاد شده، دشت مهران و دشت ورمهراز و زرباطیه عراق قرار دارد.

در قسمتی از ارتفاعات زالوآب و کانی سخت، مرز مشترک ایران و عراق است که در سمت غربی آن، ارتفاعات نمه کلان بو با قللی بیش از 200 متر و کمتر از 400 متر ارتفاع واقع است. هم چنین، ارتفاعات زالوآب، که دارای تپه هایی به ارتفاع 325، 340، 343 و 310 می باشد، در سمت شرق نمه کلان بو قرار دارد و مهم ترین قله آن معروف به کله قندی دارای 363 متر ارتفاع است. تنگه کناپنجم در امتداد جاده مهران - ایلام و در شمال شرقی مهران واقع است که به منزله گلوگاه ورود به دشت مهران - از طرف ایلام - محسوب می شود و ارتفاعات کله قندی بر این تنگه تسلط کامل دارد.

## استعداد دشمن

- تپ های 506، 417، 420، 502، 424، 18، 38، 48 و 503 پیاده.
- تپ های 37 و 70 زرهی.
- تپ 4 گارد مرزی.
- تپ 4 پیاده کوهستانی .
- گردان های کماندویی المثنی، مدلول، بلال و حدیبه.
- گردان 9 مکانیزه تابع لشکر 2 پیاده کوهستانی.
- گردان 7 تانک تابع لشکر 2 پیاده کوهستانی.
- گردان 1 موشک ضد تانک.
- گردان های 53، 240 و 639 توپخانه و آتشبار خمپاره 120.

## سازمان رزم خودی

فرماندهی عملیات را قرارگاه نجف اشرف برعهده داشت و یگان های تحت امر این قرارگاه نیز عبارت بودند از:

الف) سپاه پاسداران:

- لشکر 41 ثارالله با استعداد 6 گردان.
- لشکر 5 نر با استعداد 7 گردان پیاده.
- لشکر 27 محمد رسول الله (ص) با استعداد 1 گردان پیاده.
- لشکر 17 علی ابن ابیطالب (ع) با استعداد 3 گردان پیاده.
- تپ مستقل 21 امام رضا (ع) با استعداد 5 گردان پیاده.

-تیپ مستقل 11 امیرالمؤمنین(ع) با استعداد 2 گردان پیاده.  
-تیپ مستقل 5 رمضان با استعداد 1 گردان تانک و 1 گردان مکانیزه.

(ب) ارتش جمهوری اسلامی:

-تیپ 4 زرهی از لشکر 21 حمزه.  
-تیپ 40 سراب (پیاده).  
-تیپ 84 خرم آباد با استعداد دو گروهان پیاده + یک گروهان تانک .

### توپخانه:

سپاه: 4 آتشبار  
ارتش: 9 آتشبار

### طرح عملیات

با توجه به مختصات جغرافیایی منطقه و اهمیت استراتژیک آن، عملیات به ترتیب در سه محور زالوآب و نمه کلان بو - دشت مهران - قلاویزان طراحی شد. رزمندگان می بایست پس از تأمین اهداف مورد نظر و در صورت مناسب بودن وضعیت پایگاه های دشمن، در شرق رودخانه کنجا پنجم مستقر شوند. در غیر این صورت، با احداث خاکریز در پشت رودخانه پدافند شود.

### شرح عملیات

عملیات در ساعت 23 مورخ 1362/5/7 با رمز «یا الله» آغاز شد. در محور شمالی عملیات، ارتفاعات نمه کلان بو- به غیر از ارتفاع 270 معروف به کله قندی - تصرف و تأمین شد و ارتفاعات زالوآب به همراه ارتفاع 270 به محاصره درآمد.

در محور میانی (دشت مهران)، رزمندگان خودی با پشت سر گذاردن جاده مهران - ایلام، از پاسگاه دوراجی تا فرخ آباد را تأمین کردند.

در محور جنوبی، به رغم موفقیت های چشمگیر اولیه، از آن جا که فرصت لازم برای احداث خاکریز از یال قلاویزان به سمت فیروزآباد و از آن جا به فرخ آباد به دست نیامد، تصرف اهداف این محور در مرحله اول عملیات کامل نگردید؛ لیکن در مرحله بعد این نقیصه مرتفع شد.

به این ترتیب، تنها محوری که تصرف اهداف موجود در آن ناتمام مانده بود، محور شمالی بود. نیروهای دشمن که در ارتفاعات زالوآب و کله قندی در محاصره بودند، یازده شبانه روز مقاومت کردند، دشمن تلاش فراوانی می کرد تا به هر نحو ممکن این ارتفاعات - به ویژه کله قندی - را از محاصره خارج کند. مضافاً به این که می کوشید خط پدافندی نیروهای ایران را در دوراجی شکسته و سپس با جناح چپ خود الحاق کند.

اگرچه نیروهای خودی با مقاومت بسیار تلاش دشمن را در دوراجی و نمه کلان بو خنتی کردند، لیکن نیروهای عراقی همچنان در ارتفاعات زالوآب و کله قندی مستقر بودند. نهایتاً در سحرگاه 1362/5/18 فرمانده لشکر 27 (حاج همت) با یک گردان وارد عمل شد و مقاوت نیروهای عراقی مستقر در ارتفاع مذکور را در هم شکست.

## نتایج عملیات

- آزادسازی دو جاده ایلام - مهران - دهلران.
- آزادسازی ارتفاعات زالوآب و نمه کلان بو.
- آزادسازی دشت مهران.
- برقراری ارتباط جبهه های میانی و جنوبی از طریق دو جاده فوق الذکر.
- کشته و زخمی شدن بیش از ده هزار تن از نیروهای دشمن .
- به اسارت درآمدن 509 تن از نیروهای دشمن.
- ساقط شدن 6 هلی کوپتر دشمن.
- انهدام بیش از 200 تانک و نفربر.
- انهدام بیش از 200 خودرو حامل نفرات و یا مهمات.
- انهدام بیش از 20 انبار مهمات.
- انهدام بیش از 100 خودرو حامل نفرات و یا مهمات.
- انهدام بیش از 20 انبار مهمات.

## عملیات والفجر 10

جمهوری اسلامی ایران برای پاسخ گویی به بمباران و موشک باران مناطق مسکونی شهرها و احقاق حقوق خود در مجامع بین المللی، با تغییر منطقه عملیاتی از جنوب به غرب، در صدد برآمد تا قدرت رزمندگان اسلامی را بار دیگر به جهانیان نشان دهد .

بدین منظور عملیات گسترده ای در غرب کشور در دشت های سلیمانیه عراق هم زمان با مبعث رسول اکرم (ص) به نام والفجر 10، آغاز شد. این عملیات در روز سه شنبه 25/12/1366، شروع و در 5 مرحله به اجرا در آمد.

منطقه حلبچه و خرمال، اگرچه از گذشته مورد توجه طراحان نظامی سپاه پاسداران بود و هر از چند گاهی در مقاطع مختلف جنگ مورد بررسی آنان واقع می شد، لیکن با توجه به این که تلاش اصلی همواره در جبهه جنوب صورت می گرفت، انجام عملیات در منطقه مذکور هیچ گاه به طور جدی طرح نمی گردید. به دنبال اصلی شدن جنگ در جبهه شمالی - که در پی پیدایش مشکلات و معضلات بسیار بر سر راه انجام عملیات در جبهه جنوبی ایجاد شد - و نیز توقف عملیات در منطقه بیت المقدس 2، توجه بیشتری به منطقه حلبچه مبذول گردید. طراحی عملیات والفجر 10 در حالی انجام شد که دشمن اگر چه منطقه عملیاتی بیت المقدس 2 - را به دلیل احتمال هجوم قوای ایران - مسدود نموده بود، لیکن تهاجم اصلی را در جبهه جنوب محتمل می دانست. به این ترتیب عملیات بزرگ سال 66 در منطقه عمومی حلبچه طراحی و اجرا شد .

## اهداف عملیات

در این عملیات، علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده نظامی مورد نظر بود :

1- آزاد سازی شهرهای حلبچه، خرمال، دوجیله، بیاره و طویله .

2- فراهم سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان .

3- انسداد عقبه اصلی دشمن در استان سلیمانیه .

## منطقه عملیات

منطقه عمومی حلبچه به جز در غرب و شمال که دریاچه سد دربندیخان در آن واقع است، توسط ارتفاعات بلند و صعب العبوری محصور شده است که هر یک از این ارتفاعات از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به طوری که بالامبو و شاخ آن بر دریاچه دربندیخان و دشت و ارتفاعات تمورژنان مسلط است. شاخ تمورژنان نیز بر شاخ شمیران، سد دربندیخان، تونل جاده سلیمانیه - بغداد تسلط دارد .

علاوه بر ارتفاعات فوق الذکر، می توان از ارتفاعات و ناهمواری های دیگر منطقه نام برد که مهم ترین آن ها عبارتند از: ارتفاعات پرونیه، توانیر، پنج قله، شینه روی، تپه چناره، سه تپه، خورنوازان، تپه هانی قول، تپه سزام و شاخ دارزین.

هم چنین شیارهای موجود در منطقه نقش موثری در اختفاء نیروهای خودی داشته و بعضاً به عنوان معابر وصولی مورد استفاده قرار گرفته اند. از جمله این شیارها می توان از دره گلان، شیار زلم، شیار سورمر، شیار سازان، دره خورنوازان، شیار بالای روستای خورد و شیار وشکنام نام برد .

مهم ترین تاسیسات اقتصادی منطقه، سد دربندیخان است که علاوه بر پرورش ماهی و کشاورزی، در تامین برق قسمت و سبعی از عراق نقش مهمی دارد. پادگان حلبچه، پادگان لشکر 27 در کانی مانگا، مقر فرماندهی نیروهای دفاع الوطنی سپاه یکم در منطقه روداژه و پایگاه های موشکی سام 2 و سام 7 نیز از جمله تاسیسات نظامی در این منطقه می باشند .

شهرهای مهم عراق در این منطقه نیز به ترتیب وسعت و اهمیت عبارتند از: حلبچه، خرمال و دوجیله .

## استعداد دشمن

منطقه عملیاتی، تحت مسئولیت سپاه یکم عراق قرار داشت. پدافند این منطقه قبلاً برعهده نیروهای جاش (مزدوران کرد عراقی) بود و آن ها علاوه بر حفظ خطوط پدافندی، ماموریت مقابله با کردهای معارض را نیز بر عهده داشتند. با شروع فعالیت هایی همچون آماده سازی زمین، تردد خودروها و ... از سوی قوای خودی در این منطقه، دشمن نیز به اقداماتی از قبیل جایگزینی نیروهای نظامی با جاش ها، تقویت منطقه با تیپ های جدید و ... مبادرت ورزید .

در مجموع یگان هایی که از قبل و نیز در جریان عملیات در منطقه حضور یافتند، عبارت بودند از :

- تیپ های 96، 606، 39، 14، 402، 602، 506، 422، 420، 72، 13، 707، 702، 95 و 433 پیاده.

- تیپ های 80، 17 و 50 زرهی .

- تیپ های 24، 27 و 46 مکانیزه .
- تیپ های 65، 66 و 68 نیروی مخصوص .
- تیپ 1 کماندویی سپاه چهارم، تیپ 2 کماندویی سپاه سوم و تیپ 2 کماندویی سپاه یکم.

## قوای خودی

قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) به عنوان قرارگاه مرکزی عمل می کرد.

الف - قرارگاه قدس تحت فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت :

- لشکر 7 ولی عصر (عج) با 6 گردان .
- لشکر 33 المهدی (عج) با 6 گردان .
- لشکر 25 کربلا با 10 گردان .
- لشکر 19 فجر با 6 گردان .
- لشکر 17 علی ابن ابی طالب (ع) با 6 گردان .
- لشکر 41 ثارالله با 7 گردان .
- تیپ مستقل 39 بیت المقدس با 4 گردان .

ب - قرارگاه ثامن الائمه (ع) تحت فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت :

- لشکر 9 بدر با 8 گردان .
- لشکر 55 ویژه شهدا با 6 گردان .
- تیپ مستقل 36 انصار المهدی با 4 گردان .
- تیپ مستقل 75 ظفر با 2 گردان .
- تیپ مستقل 29 نبی اکرم (ص) با 6 گردان .
- سپاه چهارم باختران با 6 گردان .

ج - قرارگاه فتح تحت فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت :

- لشکر 8 نجف اشرف با 5 گردان .
- لشکر 14 امام حسین (ع) با 5 گردان .
- لشکر 11 امیر المومنین با 4 گردان .
- تیپ مستقل 82 صاحب الامر با 3 گردان .
- تیپ مستقل 91 بقیه الله (عج) با 3 گردان .
- تیپ مستقل 44 قمر بنی هاشم با 3 گردان .
- تیپ مستقل 100 انصارالرسول با 3 گردان .

## طرح عملیات

به علت وجود ارتفاعات سرکوب سورن در شرق منطقه عملیاتی و دریاچه دربندیخان در غرب آن، در حد فاصل انتهای شمال شرقی دریاچه تا ارتفاعات سورن تنگه ای به عرض 10 کیلومتر ایجاد شده است که در مباحث طرح مانور، تضمین موفقیت عملیات را در گرو انسداد این تنگه با الحاق از دو محور می دانستند. این عمل می بایست در محور شمال از مله خور به طرف خرمال و در محور جنوبی از غرب بالامبو در امتداد تمورژنان با تصرف سرپل احتمالی در کمر دریاچه و سرانجام الحاق دو بازو در تنگه و محاصره دشمن انجام می شد.

به منظور تحقق طرح مانور یادشده، قرارگاه قدس در محور شمالی مامور بستن تنگه و تصرف پل گردکو (عقبه اصلی دشمن به کل منطقه) شد. قرارگاه فتح در محور جنوبی می بایست ضمن تصرف بالامبو و تمورژنان با تامین سرپل در کمر دریاچه، برای مقابله با حرکت احتمالی دشمن، با احداث پل از آمادگی لازم برخوردار باشد. قرارگاه ثامن الائمه (ع) نیز در محور میانی مامور شد تا در منطقه گوزیل - دشت سازان به طرف حلبچه پیشروی کند و در مرحله دوم جاده بیاره - طویله - نوسود را تصرف و آزاد نماید. هم چنین، قرارگاه رمضان ماموریت یافت علاوه بر فعالیت های شناسایی، با مشارکت تیپ 75 ظفر و کردهای معارض ضمن تصرف شهر، توپخانه دشمن را منهدم سازد.

## شرح عملیات والفجر 10

عملیات در ساعت 2 بامداد 1366/12/24 با رمز مبارک یا محمد ابن عبدالله (ص) آغاز شد. سرعت عمل یگان ها به گونه ای بود که اغلب آن ها توانستند تمامی اهداف خود در مرحله اول را به تصرف در آورند. به غیر از واکنش دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران تحرک دیگری از نیروهای عراقی مشاهده نشده و تعداد زیادی از آن ها که در خواب بودند، کشته و اسیر شدند .

رزمندگان اسلام پس از عبور از موانع سخت و ایدایی دشمن موفق شدند حدود 20 روستا واقع در شمال و جنوب و غرب شهر خرمال را آزاد نمایند .

رزمندگان روز بعد نیز توانستند مقاومت نیروهای دشمن را در هم شکسته و پیروزمندانه وارد شهر خرمال عراق شده و شهر را کاملاً پاکسازی نمایند. در دروازه شهر گروهی از مردم به استقبال رزمندگان اسلام آمدند .

در محور قرارگاه قدس، پس از تصرف مله خور و ارتفاعات چناره، خرنازان، هانی فتح، اگر چه بالامبو و تنگه به تصرف درآمد، لیکن به دلیل توقف قرارگاه قدس و نیز واکنش دشمن در جناح چپ عملیات، نیروها روی شاخ سورمر و شاخ شمیران متوقف شدند. در محور قرارگاه ثامن الائمه (ع)، نیروهای عمل کننده ارتفاعات مگر از سلسله ارتفاعات بالامبو و نیمی از شیندروی را تصرف کردند و به رغم روشن شدن آسمان، برای الحاق روی یال ارتباطی شامل دشت سازان و سپس نیمی دیگر از ارتفاعات شیندروی، به پیشروی خود ادامه دادند. قرارگاه رمضان نیز در این مرحله تنها توانست پمپ بنزین شهر حلبچه را به آتش بکشد .

قابل ذکر است که نیروهای جهادگر با احداث جاده های مناسب در ارتفاعات سر به فلک کشیده و زدن پل های حیاتی، نقش مهمی در تسریع حرکت نیروهای عمل کننده ایفا کردند، تا جایی که نیروهای به اسارت گرفته شده در عملیات والفجر 10 از سرعت عمل نیروهای عمل کننده در این منطقه صعب العبور ابراز شگفتی می کردند. سرهنگ پیاده کوکب محمد امین از تیپ کماندویی لشکر 34 عراق می گوید: «باوجود موانع سخت و طبیعی و ایدایی، به ذهن ما خطور نمی کرد که رزمندگان اسلام بتوانند به ما نزدیک شوند، از این رو ما زمانی از آغاز عملیات با خبر شدیم که در محاصره کامل قرار داشتیم.»

با گذشت ساعت ها از آغاز عملیات و تصرف شهر خرمال و ده ها روستا در استان سلیمانیه، طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق طی مصاحبه ای در لندن اعلام کرد: «اخبار مربوط به عملیات ایران در جبهه ها تنها یک شایعه است.»

در حالی که نیروهای خودی از روحیه خوبی برخوردار بودند و تلفات آنان نیز بسیار اندک بود، از هم گسیختگی قوای دشمن و عدم حضور جدی آنها در منطقه موجب شد تا بر تسریع آغاز مرحله دوم عملیات تاکید شود. دشمن بنا بر تصویری که در مورد عملیات داشت، ستون های متعدد و طولی را با عبور از پل های ملاویسی و زلم به طرف دوجیله و سپس حلبچه کرد.

### مرحله دوم عملیات

بعد از ظهر چهارشنبه 1366/12/26، دلیرمردان سپاه با پیشروی در غرب شهر خرمال، روستاهای تپه کالاری، حاجی رقه، تپه توکه، کپه کول و ... را توانستند، آغاز کنند. با آزاد سازی این روستاها ارتباط شمال و جنوب استان سلیمانیه قطع شد و شهر مهم دوجیله و بیش از 20 روستای اطراف آن آزاد شد.

### مرحله سوم عملیات

در بامداد پنج شنبه 1366/12/27، آغاز و پس از عبور از رودخانه های خروشان سیران، زیمکان و آب لیل، مواضع، پایگاه و استحکامات دشمن را در سلسله ارتفاعات بالمبو و گزیل و بیش از 24 ارتفاع دیگر در جنوب استان سلیمانیه عراق در هم کوبیدند و بر بیش از 90 روستای منطقه عمومی حلبچه تسلط پیدا کردند و روستاهای حد فاصل شهر دوجیله و دریاچه دربندیخان عراق آزاد شد و نیروی دریایی سپاه با استقرار در شرق دریاچه، تحرکات دشمن در آن سوی دریاچه را زیر نظر گرفت و پیشروی به سوی شهر حلبچه از چندین جناح ادامه، و این شهر به محاصره در آمد و سرانجام رزم آوران اسلام موفق شدند، در زیر بمباران های شدید هوایی و شیمیایی دشمن، شهر 70 هزار نفری حلبچه را آزاد نمایند.

### مرحله چهارم عملیات

این مرحله از نیمه شب پنج شنبه 1366/12/27، آغاز و رزمندگان اسلام، پس از تثبیت مناطق آزاد شده، موفق شدند شهر مرزی و کردنشین نوسود را که بیش از 7 سال زیر سلطه دشمن قرار داشت و بغداد آن را به عنوان پایگاهی برای ضد انقلابیون و منافقین وابسته تبدیل کرده بود، از تیررس دشمن خارج سازند.

با استقرار کامل نیروها در شهر نوسود موفق شدند دو شهر نظامی طویله و بیاره و بیش از 8 روستای اطراف آن در نزدیکی نوار مرزی را آزاد کنند.

دشمن در روز جمعه 1366/12/28، در محورهای شمالی عملیات والفجر 10 اقدام به پاتک کرد که با هوشیاری و آمادگی رزمندگان اسلام دفع شد و دشمن پس از به جای گذاشتن ده ها کشته، زخمی و اسیر، ناگزیر به عقب نشینی شده و مواضع قبلی خود را نیز از دست داد.

### مرحله پنجم عملیات

مرحله پنجم در شب چهارشنبه 1366/1/3 آغاز و حماسه آفرینان بسیجی و پاسدار، به دشمن حمله کردند تا به جنایت بعثی ها در بمباران شیمیایی شهر حلبچه پاسخ گویند. در این عملیات که در محور خرمال به سید صادق در استان سلیمانیه انجام شد، 19 ارتفاع حساس منطقه، از جمله ارتفاعات 1058 (وربشن) مشرف بر شهر سید صادق و چندین روستای دیگر استان سلیمانیه آزاد شد .

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت عملیات والفجر 10

امام (ره) در پاسخ به نامه فرمانده کل سپاه پاسداران چنین اظهار فرمودند :

... اخبار پیروزی ها و حماسه های دلآوران اسلام نه تنها دل ملت ما، که قلب همه مستضعفان و محرومان را شادمان نمود و صدام و عفلقیان و حامیان و اربابان او، خصوصا آمریکا و اسرائیل را عزادار کرد. سلام خالصانه مرا به همه فرماندهان عزیز و شجاع و رزمندگان ظفرمند پیروز سپاه و بسیج و ارتش و هوانیروز و نیروی هوایی و جهادگران دلاور و گمنام و امدادگران و کلیه نیروهای مردمی و کُرد ابلاغ کنید و سلام و تشکر ملت ایران را به مردم شهرهای آزاد شده عراقی که بدون این که حتی یک گلوله هم به طرف آنان و شهرهای آنان شلیک شود، با آغوش باز و فریاد الله اکبر از رزمندگان ما استقبال نمودند، برسانید و به آن ها بگویید که می بینید صدام چگونه دیوانه وار شما و شهروایتان را بمباران خوشه ای و شیمیایی می کند، و خواهیم دید که جهان خواران چگونه در تبلیغات مسموم خود از کنار این پیروزی های بزرگ و جنایت صدام خواهند گذشت ...

## نتایج عملیات

- آزاد سازی منطقه ای به وسعت حدود 1200 کیلومتر مربع شامل شهرهای حلبچه، خرمال، بیاره، طویله و هم چنین نوسود از شهرهای ایران .
- کاهش خط پدافندی خودی .
- گشودن جبهه ای جدید برای دشمن وانتقال توان عمده ای از ارتش عراق به جبهه شمالی .
- به اسارت درآوردن 5440 نفر از نیروهای دشمن .
- انهدام 270 تانک و نفربر، 60 توپ صحرایی، 20 ضدهوایی، 40 خمپاره انداز، 13 دستگاه مهندسی، 230 خودرو و 750 اسلحه انفرادی و آربی جی هفت .
- به غنیمت گرفته شدن 90 تانک و نفربر، 100 توپ صحرایی، 20 توپ ضد هوایی، 20 خمپاره انداز، 15 دستگاه مهندسی، 800 خودرو و 6110 اسلحه انفرادی و آربی جی هفت .

## عملیات آفندی رقابیه

هدف:

عقب راندن دشمن و برطرف کردن خط نفوذ عراق

25 اسفند سالروز عملیات آفندی رقبایه است. این عملیات 25 اسفند ماه سال 1359 صورت گرفت. در امتداد جاده اندیمشک به اهواز در استان خوزستان بعد از شهر شوش، در غرب رودخانه کرخه منطقه وسیعی از شنزارهای جنوب قرار دارد که نهایتاً به ارتفاعاتی به نام میشداغ در شمال بستان منتهی می‌شود .

25 اسفند سالروز عملیات آفندی رقبایه است. این عملیات 25 اسفند ماه سال 1359 صورت گرفت .

در امتداد جاده اندیمشک به اهواز در استان خوزستان بعد از شهر شوش، در غرب رودخانه کرخه منطقه وسیعی از شنزارهای جنوب قرار دارد که نهایتاً به ارتفاعاتی به نام میشداغ در شمال بستان منتهی می‌شود .

در نزدیکی مرز ایران و عراق و در غرب ارتفاعات میشداغ که زمین پوشیده از تپه‌های کوچک و بزرگ شنی می‌باشد تنگه رقبایه قرار دارد .

عراقی‌ها به دلیل مشکل بودن عبور از این بیابان و نیاز به کارگیری نیروهای بسیار زیاد، منطقه را رها نموده و هیچ‌گونه استقراری در منطقه نداشتند. لذا از شهر شوش تا عبدالی هر لحظه احتمال ورود عراقی‌ها از طریق بیابان به جاده اندیمشک اهواز وجود داشت، چرا که نیروهای ایرانی نیز در این منطقه مستقر نبودند .

برخورد یک کشتی 400 نفره عراقی که با هلی‌برن در نزدیکی عبدالحان پیاده شده بودند با یک گروهان از تیپ 55 هوابرد ارتش جمهوری اسلامی ایران در چهارم اسفند ماه 1359 به خوبی نشان داد که منطقه بسیار حساس شده است. لذا جهت عقب راندن دشمن و برطرف کردن خط نفوذ عراقی‌ها، در تاریخ 25 اسفندماه سال 1359 عملیات رقبایه طراحی و اجرا شد که تا اول فروردین ماه سال 1360 به مدت 6 روز ادامه یافت .

در عملیات آفندی رقبایه هرچند تیپ 2 لشکر 16 به دلیل وضعیت زمین از سمت جنوبی تپه‌های ابوصلیبی خات و رقبایه متوقف شد ولی توانست ضمن وارد کردن تلفات و ضایعات فراوان انسانی و تسلیحاتی به عراق، پیشروی احتمال دشمن را در غرب رودخانه کرخه سد نماید.

## عملیات فتح 9 (نامنظم)

### عملیات فتح 9 (نامنظم)؛ اشراف بر راه شهرهای حلبچه، سید صادق و خرما عراق

هدف طرح عملیات «فتح 9»، انهدام یگان‌های دشمن در عمق خاک کردستان عراق بود. این طرح با هدایت و برنامه‌ریزی قرارگاه عملیاتی و برون مرزی «رمضان» از نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همکاری معارضان کُرد عراقی، طی پنج روز در منطقه شهر «خرما» عراق به انجام رسید. عملیات فتح 9 در شامگاه 18 مرداد ماه سال 1366 و با رمز «یا رسول الله (ص)» آغاز شد و طی آن مناطق و تأسیساتی بدین شرح آزاد گردیدند:

روستاهای «احمدآوا»، «زلم»، «بلانیه»، «حنوروزان»، «بانی‌شار»، «میرپور» و «آموره» و تعدادی از ارتفاعات.

همچنین نیروهای خودی توانستند راه آسفالته سه شهر «سید صادق»، «حلبچه»، «خرما» را زیر دید و تیررس خود قرار دهند و با انهدام 20 دستگاه خودروی نظامی، یک انبار بزرگ مهمات و شماری سلاح نیمه سنگین، تعداد 440 نفر از نیروهای دشمن را کشته و زخمی

و اسیر نمودند و به مواضع پدافندی خود بازگردند.

## مشخصات عملیات

نام عملیات: فتح 9 (نامنظم)  
زمان اجرا: 1366/5/18  
مدت اجرا: 5 روز  
تلفات دشمن (کشته، زخمی و اسیر): 440 نفر  
رمز عملیات: یا رسول الله (ص)  
مکان اجرا: منطقه عمومی شرق خرمال کردستان عراق  
ارگان‌های عمل کننده: قرارگاه برون مرزی رمضان از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و معارضان کُرد عراق  
اهداف عملیات: انهدام یگان‌های دشمن در عمق خاک کردستان عراق

## عملیات بیت المقدس

در حالی که اشغال خرمشهر توسط عراق به عنوان آخرین و مهم ترین برگ برنده این کشور برای وادار ساختن ایران به شرکت در هر گونه مذاکرات صلح تلقی می شد، آزاد سازی این شهر می توانست سمبل تحمیل اراده سیاسی جمهوری اسلامی بر متجاوز و اثبات برتری نظامی اش باشد.

بر همین اساس، با توجه به این که منطقه عمومی غرب کارون آخرین منطقه مهمی بود که هم چنان در اشغال عراق قرار داشت، از یک سو فرماندهان نظامی ایران برای انجام عملیات در این منطقه اشتراک نظر داشتند، و از سوی دیگر عراق نیز که طراحی عملیات آزادسازی خرمشهر را پس از عملیات فتح المبین قطعی و مسجل می پنداشت، با در نظر گرفتن اهمیت این شهر و جایگاه آن در دفاع از بصره، به ضرورت حفظ این منطقه معتقد بود. از این رو، بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین، در حالی که قوای ارتش عراق در منطقه عمومی خرمشهر تقویت می شد، به تمام یگان های تحت امر قرارگاه مرکزی کربلا دستور داده شد تا ضمن بازسازی و تجدید قوا، به شناسایی و طراحی عملیات بپردازند.

## اهداف عملیات

- مهم ترین اهدافی که در این عملیات دنبال می شد، عبارت بودند از :
  - انهدام نیروی دشمن، حداقل بیش از دو لشکر .
  - آزاد سازی حدود 5400 کیلومتر مربع از خاک ایران؛ از جمله شهرهای خرمشهر، هویزه و پادگان حمید.
  - خارج نمودن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه دشمن .
  - تامین مرز بین المللی (حدفاصل پاسگاه طلایه تا شلمچه .)
  - آزادسازی جاده اهواز - خرمشهر و خارج شدن جاده اهواز - آبادان از برد توپخانه دشمن .

## منطقه عملیات

منطقه عمومی عملیات بیت المقدس در میان چهار مانع طبیعی محصور است، که از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هور الهویزه منتهی می شود .

منطقه مزبور به جز جاده نسبتاً مرتفع اهواز - خرمشهر، فاقد هر گونه عارضه مهم برای پدافند است. همین امر موجب شد تا زمین منطقه - به دلیل مسطح بودن - برای مانور زرهی مناسب، و برای حرکت نیروهای پیاده - به دلیل در دید و تیر قرار داشتن - نامناسب باشد. نقاط حساس و استراتژیک منطقه شامل بندر و شهر خرمشهر، پادگان حمید، جفیر، جاده آسفالت اهواز - خرمشهر، شهر هویزه و رودخانه های کارون، کرخه کور و اروند بود.

فتح خرمشهر، یکی از نتایج بزرگ عملیات بیت المقدس بود، ولی تنها نتیجه آن نبود. در این نبرد که یکی از مهم ترین و گسترده ترین عملیات ها در دوران جنگ تحمیلی است، حدود 5400 کیلومترمربع از خاک کشور که در جنوب استان خوزستان به اشغال صدامیان درآمده بود، آزاد شد. این وسعت، چندین برابر مساحت چند کشور همجوار ایران است که دشمن در آن با حداکثر توان نظامی خود؛ یعنی با شش لشکر شامل سه لشکر زرهی، یک لشکر مکانیزه و دو لشکر پیاده و ده تیپ مستقل پدافند می کرد و با استفاده از 1400 دستگاه تانک، 1200 دستگاه نفربر زرهی و بیش از پانصد عراده توپخانه صحرایی و حدود هشتاد هزار نیروی نظامی، این منطقه را در کنترل خود داشت.

## استعداد دشمن

تا قبل از آغاز عملیات بیت المقدس، استعداد نیروهای دشمن به ترتیب زیر بود :

-لشکر 6 زرهی؛ از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه .

-لشکر 5 مکانیزه؛ از غرب اهواز تا روستای سید عبود.

-لشکر 11 پیاده از سید عبود تا خرمشهر - تیپ های 22، 48، 44 مامور حفاظت از خرمشهر بودند.

-لشکر 3 زرهی در شمال خرمشهر.

با شروع عملیات نیز یگان های دیگری از ارتش عراق به منطقه اعزام شدند که در مجموع تمامی یگان هایی که در منطقه درگیری حضور یافتند، عبارت بودند از :

-لشکر 5 مکانیزه؛ شامل: تیپ های 26 و 55 زرهی و تیپ های 15 و 20 مکانیزه .

-لشکر 6 زرهی؛ شامل: تیپ های 16 و 30 زرهی و تیپ 25 مکانیزه.

-لشکر 3 زرهی؛ شامل: تیپ های 12، 6 و 53 زرهی و تیپ 8 مکانیزه.

-لشکر 9 زرهی؛ شامل: تیپ های 35 و 43 زرهی و تیپ 14 مکانیزه.

-لشکر 10 زرهی؛ شامل: تیپ های 17 زرهی و 24 مکانیزه .

-لشکر 11 پیاده؛ شامل: سه تیپ سازمان 44، 48 و 49 پیاده و سه تیپ تحت امر 45، 113 و 22 پیاده .

-لشکر 12 زرهی؛ شامل: تیپ های 46 مکانیزه و 37 زرهی .

-لشکر 7 پیاده؛ شامل: تیپ های 19 و 39 پیاده .

-تیپ مستقل 10 زرهی .

-تیپ های مستقل 109، 419، 416، 90، 417، 601، 602، 605، 606، 409، 238 و 501 پیاده .

- تیپ های 31، 32 و 33 نیروی مخصوص .
- تیپ های 9، 10 و 20 گارد مرزی .
- تعداد 30 گروهان کماندو .
- تعداد 10 قاطع جیش الشعبی (هر قاطع 450 نفر).
- گردان تانک مستقل سیف سعد .
- گردان های شناسایی حطین، صلاح الدین، حنین .
- توپخانه دشمن نیز از 530 قبضه توپ در انواع مختلف تشکیل شده بود که به طور تقریبی عبارت بود از 30 گردان .

## طرح عملیات

در طراحی عملیات، تهاجم از طریق عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سوی مرز بین المللی و سپس آزادسازی شهر خرمشهر مد نظر قرار گرفته و چنین استدلال می شود که حمله به جناح دشمن، که عمدتاً به سمت شمال آرایش گرفته بود، عامل موفقیت عملیات است .

هم چنین، شکستن خطوط اولیه دشمن و عبور از رودخانه و گرفتن سرپل در غرب کارون تا جاده آسفالته اهواز - خرمشهر به عنوان اهداف مرحله اول و ادامه پیشروی به سمت مرز و تامین خرمشهر به عنوان اهداف مرحله دوم تعیین شدند .

بر همین اساس، محورهای عملیاتی هر یک از قرارگاه ها به ترتیب زیر مقرر گردید :

- 1-محور شمالی؛ قرارگاه قدس (با عبور از رودخانه کرخه).
- 2-محور میانی؛ قرارگاه فتح (با عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر).
- 3-محور جنوبی؛ قرارگاه نصر (با عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر).

## شرح عملیات بیت المقدس

سرانجام عملیات بیت المقدس در 30 دقیقه بامداد روز 10 اردیبهشت 1361 با قرائت رمز عملیات بسم الله الرحمن الرحیم . بسم الله القاسم الجبارین، یا علی ابن ابی طالب از سوی فرماندهی آغاز شد .

شهید آیت الله صدوقی و آیت الله مشکینی نیز که در کنار فرماندهان سپاه و ارتش در قرارگاه کربلا حضور داشتند، هر یک به طور جداگانه، پیام هایی را به وسیله بی سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت کردند .

عملیات بیت المقدس را به چهار دوره زمانی به شرح زیر می توان تقسیم کرد :

مرحله اول :

در محور قرارگاه قدس (شمال کرخه کور) به دلیل هوشیاری دشمن و وجود استحکامات متعدد، پیشروی نیروها به سختی امکان پذیر بود و در این میان تنها تیپ های 43 بیت المقدس و 41 ثارالله موفق شدند از مواضع دشمن عبور کرده و منطقه ای در جنوب رودخانه کرخه کور را به عنوان سرپل تصرف کنند. عدم پوشش جناحین این یگان ها باعث شده بود که فشار شدید دشمن بر آن ها وارد شود.

در محور قرارگاه فتح، یگان های خودی ضمن عبور از رودخانه به سرعت خود را به جاده اهواز - خرمشهر رسانده و به ایجاد استحکامات و جلوگیری از نقل و انتقالات و تحرکات دشمن در جاده مذکور پرداختند.

در محور قرارگاه نصر، به دلیل تاخیر در حرکت و وجود با تلاق در کنار جاده اهواز - خرمشهر و هم چنین تمرکز دشمن در شمال خرمشهر، نیروهای این قرارگاه نتوانستند به اهداف مورد نظر دست یافته و با قرارگاه فتح الحاق کنند .

الحاق کامل قرارگاه نصر با قرارگاه فتح و هم چنین تصرف اهداف مرحله اول قرارگاه قدس در دستور کار عملیات شب دوم قرار گرفت که با انجام آن تا حدودی اهداف مورد نظر محقق شد، لیکن برخی رخنه ها همچنان باقی بود تا این که سرانجام پس از 5 روز، جاده اهواز - خرمشهر از کیلومتر 68 تا کیلومتر 103 تثبیت و کلیه رخنه ها ترمیم شد .

مرحله دوم :

در این مرحله آزاد سازی خرمشهر از دستور کار عملیات خارج و تصمیم گرفته شد که قرارگاه های فتح و نصر از جاده اهواز - خرمشهر به سمت مرز پیشروی کنند و قرارگاه قدس نیز ماموریت یافت تا به صورت محدود برای تصرف سرپل در جنوب کرخه کور اقدام نماید و سپس آن را گسترش دهد .

عملیات در این مرحله در ساعت 22:30 روز 1361/2/16 آغاز شد. نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعات اولیه به جاده مرزی رسیدند. یگان های قرارگاه نصر نیز با اندکی تاخیر و تحمل فشارهای دشمن، به مرز رسیده و با قرارگاه فتح الحاق کردند .

دشمن با مشاهده جهت پیشروی نیروهای ایران به طرف مرز، لشکر های 5 و 6 خود را به عقب کشاند. به نظر می رسید این عقب نشینی با دو هدف انجام شده باشد: یکی جلوگیری از محاصره و انهدام این لشکرها، و دیگری تقویت هر چه بیشتر خطوط پدافندی بصره و خرمشهر.

در پی این عقب نشینی که از ساعات اولیه روز 1361/2/18 آغاز شده بود، نیروهای قرارگاه قدس ضمن تعقیب نیروهای دشمن، تعدادی از آن ها را که از قافله عقب مانده بودند، به اسارت خود درآوردند و در نتیجه جاده اهواز - خرمشهر (تا انتهای جنوب منطقه ای که توسط قرارگاه نصر به عنوان سرپل تصرف شده بود) و نیز مناطقی همچون جفیر، پادگان حمید و هویزه آزاد شدند.

مرحله سوم :

در این مرحله، قرارگاه نصر ماموریت یافت تا حرکت خود را به سمت خرمشهر آغاز نماید. نیروهای عمل کننده که متشکل از چهار تیپ مستقل سپاه پاسداران و دو تیپ ارتش بودند، در آخرین ساعات روز 1361/2/19 عملیات خود را آغاز کردند؛ اما به دلیل هوشیاری دشمن و تمرکز نیرو در خطوط پدافندی اش، نیروهای خودی در انجام ماموریت خود توفیق نیافتند. تکرار این عملیات در روز بعد نیز به شکست انجامید. به همین خاطر تصمیم گرفته شد تا برای انجام عملیات نهایی فرصت بیشتری به یگان ها داده شود. هم چنین مقرر شد دو تیپ المهدی (عج) و امام سجاد (ع) از قرارگاه فجر نیز در حرکت بعدی استفاده شود .

مرحله چهارم عملیات از 1 تا 4 خرداد 1361:

سرانجام در ساعت 22:30 اول خرداد 1361 تلاش برای آزادی سازی خرمشهر با رمز «بسم الله القاسم الجبارین یا محمد بن عبدالله

(ع) «آغاز شد در برابر تک سریع و غافلگیرانه، نیروهای عراقی دچار وحشت و سرگردانی شدید شدند و نتوانستند واکنش مهمی از خود نشان دهند و ارتباط یگان های دشمن با یکدیگر قطع شد. فرار افسران و درجه داران و سربازان عراقی از منطقه خرمشهر گویای از هم پاشیدگی سازمان یگان های دشمن بود.

در روز دوم خرداد نتیجه پیکار بسیار درخشان بود و قرارگاه کربلا به هدف خود که احاطه کامل خرمشهر بود، رسید. تعداد اسرای عراقی در این روز از 2830 نفر تجاوز کرد و یگان هایی از دشمن که در منطقه بین نهر عرایض و شلمچه مستقر بودند، به میزان زیاد منهدم شدند .

به وجود حضور گسترده هواپیماهای عراقی در آسمان منطقه، عقابان تیزپرواز نیروی هوایی ارتش در پشتیبانی از یگان های رزمنده، در صحنه عملیات بیت المقدس حضوری فعال داشتند و با بمباران پل شناور عراقی ها بر روی شط العرب و مناطق تجمع آنان در آن سوی رودخانه، نقش ارزنده ای در آزاد سازی خرمشهر ایفا کردند.

در اواخر روز دوم خرداد، قرارگاه کربلا پس از بررسی آخرین وضعیت، تصمیم گرفت تا نیروها با ورود به شهر، آنرا از لوٹ وجود نیروهای عراقی پاک گردانند. و در سه بامداد روز سوم خرداد واحدهایی از رزمندگان ایران به آن سوی رودخانه وارد شدند .

از طرف دیگر جمعی از نیروهای عراقی با استفاده از تاریکی شب و قایق اقدام به فرار کردند که تعدادی از این قایق ها توسط تکاوران نیروی دریایی هدف قرار گرفت و سرنشینان آن ها غرق شدند .

نیروهای عراقی از ساعت سه و پنجاه دقیقه بامداد تا نیم بعد از ظهر روز سوم خرداد از سمت شلمچه 3 بار اقدام به پاتک کردند و تلاش نمودند تا از طریق جاده شلمچه - خرمشهر حلقه محاصره خرمشهر را بشکنند، اما هر بار با پایداری و مقاومت دلاورانه رزمندگان ایرانی مواجه شدند و با دادن خساراتی عقب نشینی کردند .

در ساعت 11 صبح روز سوم خرداد در حالی که درگیری شدیدی بین قوای ایرانی و نیروهای عراقی در شمال نهر خین جریان داشت و دشمن در فکر شکستن حلقه محاصره خرمشهر بود، رزمندگان ایرانی از جناح غرب و خیابان کشتارگاه وارد شهر شدند. ناحیه گمرک خرمشهر در کنار اروند اندکی مقاومت کرد که آن هم به سرعت در هم شکسته شد.

در ساعت 12 قوای ایران از سمت شمال و شرق وارد شهر شدند و نیروهای متجاوز بعثی که 24 ساعت در محاصره کامل قرار داشتند، راهی جز اسارت یا فرار و یا کشته شدن نداشتند. بدین جهت واحدهای عراقی گروه گروه به اسارت رزمندگان اسلام در آمدند.

در ساعت 2 بعد از ظهر، خرمشهر به طور کامل آزاد شد و پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی ایران بر فراز «مسجد جامع» و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز درآمد .

بدین ترتیب این شهر مقاوم که پس از 35 روز پایداری و مقاومت در 4 آبان 1359 به اشغال دشمن درآمده بود، پس از 578 روز (19 ماه) اسارت، بار دیگر به آغوش گرم میهن اسلامی بازگشت و پیکره پاک آن از لوٹ وجود متجاوزان تطهیر گردید.

رزمندگان اسلام در اولین اقدام خود پس از آزاد سازی شهر، نماز شکر را در مسجد جامع خرمشهر اقامه کردند. خبر آزاد سازی خرمشهر به سرعت در همه جا طنین افکند و ملت ایران اسلامی را که مدت ها در آرزوی شنیدن چنین خبر مسرت بخشی بودند، غرق در شادی و سرور کرد. مردم به خیابان ها ریختند و با پخش شیرینی به جشن و شادی پرداختند. در پایان آن روز امت شهید پرور ایران با حضور در مساجد، نماز شکر به جای آورده و با فرا رسیدن شب به یمن پیروزی حق بر باطل بر پشت بام ها ندای الله اکبر سردادند .

## نتایج

- طی عملیات بیت المقدس 5038 کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده از جمله شهرهای خرمشهر و هویزه و نیز پادگان حمید و جاده اهواز - خرمشهر آزاد شدند. علاوه بر این شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از تیررس توپخانه دشمن خارج گردیدند. هم چنین 180 کیلومتر از خط مرزی تامین شد .
- با فتح خرمشهر، برتری نظامی ایران بر عراق مورد تایید کارشناسان و تحلیل گران نظامی قرار گرفت .
- فتح خرمشهر موجب انفعال ارتش عراق شد؛ به گونه ای که نظامیان عراقی تا مدت زیادی نتوانستند از لاک دفاعی خارج شوند .
- عملیات بیت المقدس موجب شد تا کشورهای عرب منطقه به تقویت مالی و نظامی عراق مبادرت ورزند .
- طی این عملیات حدود نوزده هزار تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمده و بالغ بر شانزده هزار تن کشته و زخمی شدند.

## میزان انهدام یگان های دشمن

- لشکر 3 زرهی و لشگرهای 11 و 15 پیاده: 80 درصد .
- لشگرهای 9 و 10 زرهی: 50 درصد .
- لشکر 7 پیاده: 40 درصد.
- لشکر 5 مکانیزه و لشگرهای 6 و 12 زرهی: 20 درصد .
- تیپ های 9، 10 و 20 گارد مرزی: 100 درصد.
- تیپ 109 پیاده: 60 درصد
- تیپ های 601، 602، 416، 419 پیاده: 50 درصد .
- تیپ های 31، 32 و 33 نیروهای مخصوص به میزان زیاد.

## چرا بعد از فتح خرمشهر جنگ تداوم یافت؟

ما در جنگ در حقیقت دو مقطع زمانی خاص داشتیم. مقطع اول مربوط به آغاز جنگ تا آزاد سازی خرمشهر است که استراتژی ایران نظامی و با هدف بیرون راندن عراق از خاک کشور بود و مقطع بعدی مربوط به پس از آزاد سازی خرمشهر است که استراتژی ایران دوگانه بود. مسئولان رسمی و سیاسی کشور معتقد به ادامه جنگ برای کسب پیروزی و پایان جنگ از طریق دیپلماسی بودند که این با استراتژی بلافاصله پس از آزاد سازی خرمشهر آغاز شد.

ما در جنگ در حقیقت دو مقطع زمانی خاص داشتیم. مقطع اول مربوط به آغاز جنگ تا آزاد سازی خرمشهر است که استراتژی ایران نظامی و با هدف بیرون راندن عراق از خاک کشور بود و مقطع بعدی مربوط به پس از آزاد سازی خرمشهر است که استراتژی ایران دوگانه بود. مسئولان رسمی و سیاسی کشور معتقد به ادامه جنگ برای کسب پیروزی و پایان جنگ از طریق دیپلماسی بودند که این با استراتژی بلافاصله پس از آزاد سازی خرمشهر آغاز شد. در جلسه ای که خدمت امام تشکیل شد، در جلسه شورای عالی دفاع در محضر امام که آقایان حاج احمد خمینی، موسوی اردبیلی، ولایتی و مقام معظم رهبری - که آن زمان رییس جمهور بودند - حضور داشتند.

آقای هاشمی رفسنجانی گفتند که ما باید از مرزهای بین المللی عبور کنیم تا اگر خواستیم جنگ را تمام کنیم یک چیزی در دست داشته باشیم که بتوان درمیز مذاکره از آن استفاده کنیم .

آقای ظهیر نژاد هم استدلال کردند مرزهای جنوب قابل دفاع نیستند و باید به مانعی طبیعی مثل اروندرود تکیه کنیم و با تکیه بر آن بتوان دفاع کرد. این دو استدلال ارایه و من و دیگر دوستان هم در بعد سیاسی و نظامی از آن دو حمایت کردیم. لذا عملاً استراتژی پس از آزادی خرمشهر استراتژی سیاسی شد. یعنی انجام یک عملیات نظامی برای تحقق صلح و با استفاده از عملیات نظامی برای آنکه بتوان از طریق دیپلماسی جنگ را تمام کرد. به عبارت دیگر قرار شد عملیات نظامی به عنوان ابزاری در خدمت دیپلماسی قرار گیرد. این استراتژی سیاسی بود ولی عملیات و جنگ هدف نبود بلکه هدف حمایت از سیاست خارجی بود. با این استراتژی همه مسئولان سیاسی و نظامی موافقت کردند ولی حاج احمد آقا مخالف بودند و می گفتند: باید سر مرز بمانیم و امام هم سؤال کردند، چرا باید از مرز عبور کنید.

حرف آقای هاشمی همان استراتژی سیاسی بود که پس از آزاد سازی خرمشهر در دستور کار دولت و مسئولان تا پایان جنگ به آن عمل می شد. اتفاقاً آنچه که به آن عمل نشد استراتژی پیشنهادی فرماندهان سپاه بود که پس از رمضان به مسئولان ارایه می شد.

امام هم در این مساله ابهام داشت که چرا می خواهیم از مرزهای بین المللی عبور کنیم اما پس از شنیدن استدلال ها گفتند: "من یک هفته فکر می کنم سپس پاسخ می دهم." یک هفته بعد احمد آقا تماس گرفت و نظر موافق امام را اعلام کردند و در پی آن عملیات رمضان طراحی شد و هدف آن پیشروی نیروهای ما تا کنار اروندرود بود تا قسمتی از خاک عراق در اختیار ما قرار بگیرد. بنابراین همه با استراتژی سیاسی، پس از آزاد سازی خرمشهر موافق بودند و دیگر استراتژی نظامی مطرح نبود. یعنی عملیات رمضان تنها یک عملیات بود. در حالی که در استراتژی نظامی یک عملیات طراحی نمی کنید، بلکه تعداد زیادی عملیات طراحی می کنند که پی در پی صورت می گیرد تا برسند به هدف اصلی. اما در استراتژی سیاسی عملیات ها سلسله وار نیست بلکه عملیات صورت می گیرد تا از طریق دیپلماسی جنگ به پایان برسد. تا پیش از آزاد سازی خرمشهر استراتژی نظامی مطرح بود تا همه سرزمین های ایران آزاد شود. لذا چهارده عملیات در تابستان سال 1360 طراحی شد که یکی پس از دیگری تا آزاد سازی خرمشهر انجام شد اما پس از آزادی خرمشهر استراتژی ایران تغییر یافت.

## انجام عملیات جداگانه

ما در انجام عملیات ها مشکلاتی داشتیم و مسایلی بود که اجازه نمی داد ما به موفقیت دست پیدا کنیم در بعد اول تلاش زیادی شد که استراتژی سیاسی تغییر یابد ولی مسئولان سیاسی کشور نپذیرفتند و می گفتند که امکانات و بودجه مورد نیاز تغییر استراتژی را نداریم.

لذا عملاً استراتژی نظامی که شعار آن جنگ جنگ تا سقوط صدام و رفع فتنه از عالم در شعار باقی ماند و دلیل آن این بود که مسئولان سیاسی و اقتصادی می گفتند ما قدرت برنامه ریزی برای تحقق این استراتژی را نداریم. در حالی که این استراتژی نظامی خواسته امام و رزمندگان بود. لذا تغییر اساسی در جنگ حاصل نشد و پس از اینکه فرماندهان از تصویب استراتژی نظامی ناامید شدند، تلاش شد که استراتژی سیاسی با همه نواقص آن به موفقیت هایی برسد لذا استراتژی سیاسی ادامه پیدا کرد با این تفاوت که پاسدارها گفتند حال که اجازه نمی دهید استراتژی نظامی طراحی و برنامه ریزی شود، اجازه بدهید سپاه جدا از ارتش عمل کند و تغییری در مدیریت جبهه ایجاد شد. این تغییر مدیریت عملیات منجر به پیروزی های فاو، کربلای 5 در شلمچه و حلبچه با مدیریت سپاه شد و این پیروزی ها منجر به قطعنامه 598 شد.

با وجود اینکه شعار «جنگ جنگ تا سقوط صدام» داده می شد، ولی عملاً راهی غیر از این طی شد. با اینکه استراتژی نظامی طرح شد ولی برنامه ریزی نشد و در حد یک شعار باقی ماند. بر اساس استراتژی سیاسی، آقای هاشمی می گفت: بروید فاو را بگیرید تا جنگ را

تمام کنیم. در کربلای 5 هم گفتند بروید شلمچه را بگیرید و به بصره نزدیک شوید، ما جنگ را تمام می‌کنیم. یعنی ما همیشه عملیات می‌کردیم برای پایان دادن به جنگ و جنگ عملاً در 5 سال آخر دچار روزمرگی شده بود. علت روزمرگی آن این بود که عملیات‌ها در خدمت سیاست قرار گرفته بود. یعنی پس از آزادسازی خرمشهر، سیاست بود که عملیات‌ها را طراحی می‌کرد.

تنها زمانی که از سپاه خواستند طرحی را برای استراتژی نظامی بدهد در سال‌های پایانی جنگ بود که ارتش عراق حملاتی را آغاز کرده بود و سپاه هم اعلام کرد که برای تغییر استراتژی سیاسی به نظامی باید امکاناتی فراهم شود که بتوان بغداد را فتح و جنگ را تمام کرد. وقتی این نامه به آقای هاشمی نوشته شد، ایشان نامه را پیش امام بردند و گفتند سپاه این امکانات را می‌خواهند و وزیر اقتصاد هم گفته اند این امکانات را نداریم. درحقیقت مشکلی که باید سیاسیون حل می‌کردند را به میدان امام انداختن و نتیجه آن پذیرش قطعنامه 598 بود.

### تداوم جنگ تا...

مردم حق دارند بدانند چرا پس از آزادسازی خرمشهر عملیات‌ها تداوم پیدا می‌کرد در حالی که در استراتژی سیاسی تنها هدف پیروزی در یک عملیات برای پایان جنگ و استفاده از ابزار دیپلماسی بود.

دو عامل در اینجا دخالت دارد یکی اینکه عراق و آمریکا و کشورهای عربی و غربی دست ایران را خوانده بودند و لذا در مواجهه با سیاست مداران ما می‌دانستند که قضیه چیست، هر چند امام می‌گفتند: "ما جنگ را تا دفع فتنه ادامه می‌دهیم" اما آنها می‌دانستند این حرف امام و رزمنده‌هاست که در حد یک شعار است. آنچه که آنها در عمل می‌دیدند «جنگ جنگ تا یک عملیات» بود. یعنی دشمن می‌دانست جنگ تا پیروزی مطرح نیست بلکه جنگ جنگ تا یک پیروزی هدف است.

دنيا دست سیاستمداران ایران را خوانده بود. با اینکه سیاستمداران هم شعار امام را تکرار می‌کردند اما دنیا با شعارها کار ندارد. حرف‌های پشت صحنه سیاست و رفتار سیاستمداران ملاک است. خیلی زود دنیا متوجه شد که ایران جنگ جنگ تا یک پیروزی را می‌خواهد. مساله دیگر اینکه دیپلماسی ایران نمی‌توانست از همان موفقیت‌های نظامی استفاده کند و مدیریت دیپلماسی باید بسیار قوی‌تر عمل می‌کرد. ضمن اینکه واقعیت این است که ما در دنیا یار زیادی نداشتیم ما اتحادهای سیاسی جدی در دنیا نداشتیم که بتوانیم از آرای آنها در سازمان ملل استفاده کنیم.

تا پیش از قطعنامه تنها پیشنهادی که به ایران شد آتش بس بود؛ آتش بس هم یعنی جنگ نیمه تمام. یعنی طرفین در هر نقطه‌ای هستند بمانند و مذاکره کنند. مذاکرات می‌توانست 30 تا 40 سال ادامه یابد و در این مدت ایران و عراق آماده آغاز جنگ باشند. این یک گزینه بود. گزینه دیگر این بود که ایران استراتژی سیاسی را در پیش بگیرد یعنی در پی عملیات به صلح دست یابد. گزینه سوم این بود که ایران با استراتژی نظامی تا سقوط صدام حرکت کند که یا به سقوط صدام منجر می‌شد یا دستیابی به یک پیروزی بزرگ. در حقیقت این گزینه پس از آزادسازی خرمشهر پیش روی ایران بود.

آن چیزی که به آن عمل شد استراتژی دوم بود یعنی انجام یک عملیات برای کسب امتیازات سیاسی، این عملیات‌ها منجر شد که ایران بتواند 598 را از دنیا بگیرد. در 598 برای نخستین بار پیشنهاد صلح و یک‌سری امتیازات به ایران داده شد. از جمله بازگشت به مرزهای بین‌الملل، تعیین و پرداخت خسارت، کمیته تعیین متجاوز که از دستاوردهای قرارداد 598 است و در آن حداقل امتیازاتی به ایران داده شد. هر چند اهداف ایده‌آل استراتژی سیاسی و نظامی در 598 تامین نشد.

این با آنچه که امام و رزمنده‌ها می‌خواستند خیلی فاصله داشت ولی در مقام پیروزی برای یک کشور جهان سوم بود. البته به خاطر ابهامات و دوپهلوی بودن برخی کلمات 598 چند ماهی در پذیرش آن تاخیر افتاد.

## بحث معروف نظامیان و سیاسیون

بحث معروفی بین فرماندهان و آقای هاشمی بود. فرماندهان به ویژه پس از عملیات خیبر می‌گفتند این استراتژی سیاسی نتیجه‌ای ندارد و اجازه بدهید برنامه‌ای برای استراتژی نظامی تهیه و جنگ را تمام کنیم. هیچ‌گاه مسئولان سیاسی و آقای هاشمی این را نپذیرفتند. یک روز آقای هاشمی گفتند ما حتی نمی‌توانیم بند پوتین سربازان و بسیجی‌ها را فراهم کنیم. این تعبیر بیانگر این بود که هیچ‌گاه به استراتژی نظامی فرماندهان نظامی توجهی نشد و همیشه می‌گفتند توان اقتصادی حمایت از این استراتژی را نداریم و اقتصاد کشور تحمل این استراتژی را ندارد.

بعد از عملیات رمضان همیشه پیشنهادات فرماندهان را اگر چه برای انجام یک عملیات می‌پذیرفتند ولی برای پایان دادن به جنگ رد می‌کردند. تنها موقعی که راضی شدند، در اواخر جنگ بود؛ زمانی که دیدند استراتژی سیاسی با شکست مواجه شده است و 598 هم دستاورد عملیات فاو و کربلای 5 بود. ولی آنها احساس می‌کردند همین 598 هم عملی نباشد. در این موقع از ما پرسیدند برای پایان دادن جنگ چه می‌خواهید. آن زمان سپاه نامه‌ای را برای آقای هاشمی - نه امام - تنظیم کرد زیرا امکانات کشور در اختیار مسئولان سیاسی کشور بود. در این نامه برای پیروزی در جنگ امکاناتی خواسته شده بود. آقای هاشمی هم این نامه هم چند نامه دیگر از جمله نامه آقای خاتمی - وزیر ارشاد وقت -، نامه میرحسین موسوی به عنوان مسئول دولت، و نامه فرماندهان ارتش را با هم خدمت امام برد.

گفته بود که نظامیان این گونه می‌گویند و مسئولان سیاسی و اقتصادی هم می‌گویند پول نداریم. شما تکلیف را روشن کنید و امام هم با پذیرش قطعنامه موافقت کردند. این مسایل بسیار مهم است و شاید مهمترین مقطع انقلاب است که باید درک و تحلیل شود تا ما را با برخی مواضع امام و رزمندگان آشنا می‌کند، زیرا امام از اول با جنگ مخالف بودند و در تمام دوران جنگ هم صادقانه با مردم سخن گفتند و از رزمندگان حمایت کردند.

## ادعای اینکه امام از جنگ با صدام بدش نمی‌آمد!

با توجه به شناخت دقیقی که من از نزدیک با حضور امام دارم و به ویژه اطلاعاتی که پیش از جنگ، آغاز جنگ و پایان جنگ دارم چنین ادعایی غیر دقیق است و شاید بتوان گفت منصفانه نیست. امام از نظر برخورد با دولتمردان دنیا، صدام را در انتهای لیست خود می‌دانستند، جملات معروف امام درباره ملک حسین، ملک حسن و... خیلی شدیدتر از اظهارات امام علیه صدام بود. ضمن اینکه در آن زمان آقای حسن البکر رئیس جمهور بود و صدام برای حمله به ایران مجبور شد حسن البکر را کنار بگذارد و هیچ‌وقت امام صدام را در اندازه‌ای نمی‌دانست که به خاطر انتقام و تنبیه او کاری کند که منجر به جنگ شود.

امام معمولاً وقتی از پادشاهان و سران و تجمع منطقه نام می‌بردند، منظورشان همه دولت‌های منطقه غیر از عراق و سوریه بود. یعنی جاهایی که پادشاهی بود و این ادعا هیچ سندیت تاریخی ندارد و چنین مساله‌ای در کلمات و گفتار امام وجود ندارد و من چنین ادعایی را قبول ندارم. مساله جنگ کاملاً برنامه‌ریزی شده بود و ترکیبی از فرصت‌طلبی صدام و انتقام‌کشی شیوخ منطقه و حمایت‌های آمریکا دست به دست هم داد و جنگ را به عنوان جزیی از یک عملیات ضد انقلابی به ایران تحمیل کردند و این کاملاً مستقل از نحوه برخورد ایران با دولت عراق است، لذا انگیزه شخصی علیه صدام نداشته بلکه به دلیل تحمیل جنگ به انقلاب اسلامی، امام او را مستحق تنبیه و

خروج از ایران می‌دانست.

منبع: سایت محسن رضایی

## ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر؟

فتح خرمشهر به عنوان یک حادثه تاریخی و سرنوشت‌ساز، پایان‌بخش دوره اول جنگ است که با تجاوز عراق به ایران در تاریخ 31 شهریور سال 1359 آغاز شد و با آزادسازی مناطق اشغالی به پایان رسید. ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت شش سال و تحولاتی که در این مرحله از جنگ صورت گرفت، به ویژه نحوه پایان جنگ، پرسش از علت ادامه جنگ را به یک پرسش بنیادین تبدیل کرده است. در این زمینه ملاحظاتی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

1- تصمیم‌گیری برای پایان دادن یا ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر با نظر اجماع نخبگان و مسئولان سیاسی - نظامی کشور و در حضور امام راحل و پس از برگزاری جلسات متعدد، اتخاذ شد.

شرایط تصمیم‌گیری، ناظر بر این معنا بود که قوای نظامی ایران با آزادسازی مناطق اشغالی، ماهیت جنگ تجاوزکارانه و فرسایشی را با کسب برتری سیاسی - نظامی تغییر داده‌اند و در چنین وضعیتی به زعم آمریکا و غرب، ارائه هرگونه امتیاز به ایران به معنای به رسمیت شناختن برتری نظام برآمده از انقلاب اسلامی و با منافع غرب در تضاد است. بنابراین، اجتناب از ارائه هرگونه امتیاز به ایران، یک سیاست کلی و مورد توافق بود که از سوی آمریکا و غرب دنبال می‌شد. بر پایه همین ملاحظه با تعریف برتری ایران به عنوان تهدید منافع آمریکا و غرب، مهار این برتری هدف سیاست‌های جدید منطقه‌ای آمریکا قرار گرفت.

2- راه‌حل‌های پیشنهادی برای پایان دادن به جنگ در این مرحله، عموماً از سوی برخی کشورهای منطقه، از جمله عربستان مطرح شد که بیشتر ناظر بر تشکیل صندوق مشترک برای پرداخت خسارت به ایران و عراق بود. به این ترتیب که کشورهای منطقه با تشکیل صندوقی مشترک، مبالغی را به صندوق واریز کنند و تدریجاً برای بازسازی ایران و عراق پرداخت شود. در این زمینه، صحبت از مبلغ 25 میلیارد دلار تا 50 میلیارد دلار مطرح شد؛

اما به دلیل اینکه راه‌حل متناسب با شرایط برتری ایران نبود و سایر خواسته‌های ایران مانند محکوم کردن متجاوز، عقب‌نشینی کامل از خاک ایران، مورد توجه قرار نگرفته بود، زمینه انجام مذاکرات فراهم نشد، در نتیجه رقم قطعی مشخص نیست.

3- فاصله زمانی تصمیم‌گیری ایران پس از فتح خرمشهر تا انجام عملیات رمضان با وقوع برخی رخدادهایی همراه شد که نقش مهمی در شکل‌گیری ادامه جنگ داشت. در حالی که در سوم خرداد سال 1361 خرمشهر فتح شد و در تاریخ 14 خرداد، اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد، تصور اولیه در ایران، ناظر بر این معنا بود که نگرانی از پیروزی ایران منجر به گشایش جبهه جدید شده است. واکنش سیاسی - نظامی ایران با اعزام هیأت دیپلماتیک در تاریخ 17 خرداد و سپس اعزام برخی از نیروهای نظامی و اعلام آمادگی برای جنگ در دو جبهه، متأثر از همین ملاحظات بود.

در تاریخ 20 خرداد، عراق آمادگی برای عقب‌نشینی یکجانبه را اعلام و در تاریخ 30 تیر آن را اجرا کرد. در این مرحله 5 هزار کیلومتر از خاک ایران، همچنان در اشغال ارتش عراق بود که در عقب‌نشینی تنها 2500 کیلومتر از آن تخلیه شد و مناطق حساس مانند ارتفاعات استراتژیک و شهر نفت‌شهر در اشغال نیروهای عراقی باقی ماند.

ملاحظات سیاسی - نظامی جدید سبب شد، امام(ره) با احساس نگرانی از ماهیت سیاست‌های جدید آمریکا و اسرائیل و عراق، روند اعزام نیرو و به لبنان را متوقف و دستور بازگشت نیروها را صادر کردند.

در چنین فضایی، قطعنامه 522 در تاریخ 22 تیر ماه از سوی سازمان ملل صادر شد که هیچ‌کدام از درخواست‌های ایران مورد توجه قرار نگرفته بود و همچنان از جنگ به عنوان وضعیت میان دو کشور نام برده می‌شد! مجموعه رخدادهای سیاسی - نظامی در سطح منطقه، مواضع جدید آمریکا، ماهیت قطعنامه جدید سازمان ملل، تماما نگرانی ایران را - مبنی بر اینکه کلیه تلاش‌ها و سیاست‌ها برای مهار و برتری ایران سازماندهی شده است - تشدید کرد و در نتیجه، تصمیم‌گیری اولیه پس از فتح خرمشهر، با آغاز عملیات رمضان در تاریخ 23 تیر ماه سال 1361 و با هدف تأمین صلح شرافتمندانه و تنبیه متجاوز به اجرا گذاشته شد.

4- نقد و بررسی تصمیم‌گیری برای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و طرح پرسش در این زمینه، برای نخستین بار از سوی نهضت آزادی مطرح شد. مسئله قابل توجه در این زمینه، این است که انتقاد نهضت آزادی نزدیک به یک سال پس از تصمیم‌گیری و اجرای آن و با مشاهده نتایج این تصمیم‌گیری، اعلام شد. حال آنکه اگر نهضت در این زمینه دیدگاه و موضعی داشت، برای تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها باید همانند حزب توده که در همان موقع، اقدام به موضع‌گیری کرد، با صدور بیانیه، مواضع خود را رسماً اعلام می‌کرد.

فارغ از این ملاحظه، نقدهای ناظر بر تصمیم‌گیری برای ادامه جنگ، اصولاً بر اساس نتیجه و بدون توجه به شرایط طرح می‌شود، حال آنکه جدا کردن یک تصمیم از شرایط و بستر تاریخی آن، مانع از فهم ضرورت‌ها و دلایل این تصمیم‌گیری خواهد شد.

گزینه‌های موجود برای تصمیم‌گیری ایران، به گونه‌ای بود که اگر برای توقف جنگ تصمیم‌گیری می‌شد، امتیاز قابل ملاحظه‌ای به ایران واگذار نمی‌شد و هیچ تناسبی با شرایط برتری ایران نداشت و احتمالاً زمینه درگیری مجدد ایران و عراق نیز فراهم می‌شد. امروز همان تصمیم‌گیری با طرح این پرسش روبروست که چرا ایران این گونه جنگ را پایان داد؟ و حال آنکه، در آن هنگام از موضع برتر برخوردار بود و دشمن دچار شکست شده بود؟ این توضیح ناظر به این معناست که پیچیدگی‌های حاکم بر شرایط تصمیم‌گیری پس از فتح خرمشهر، به گونه‌ای بوده است که هرگونه تصمیم‌گیری با توجه به پیامدهای آن می‌توانست، پرسش‌زا باشد و تنها تفاوت در نوع پرسش‌هاست، نه اصل آن.

مرکز پژوهش‌های اجتماعی نخست‌وزیری در خرداد سال 1361، طی یک نظرسنجی از عده‌ای با شرایط سنی، تحصیلی و جنسیت متفاوت، «نظرات مردم در مورد ادامه جنگ و ورود به خاک عراق» را مورد بررسی قرار داده است. در این نظرسنجی، «نظر مردم در مورد ادامه جنگ»، وارد شدن به خاک عراق در صورتی که عراق شرایط ما را نپذیرد و دلایل عدم ورود به خاک عراق، مورد توجه قرار گرفته است.

در پاسخ به این پرسش که جنگ را تا کجا ادامه باید داد، خروج عراق از خاک ایران با 30/7 درصد و سقوط صدام با 28/5 درصد، بیشترین آرا را کسب کرده است. دیگر گزینه‌ها همچون گرفتن خسارت 12/4 درصد و صلح تنها 2 درصد را به خود اختصاص

داده‌اند. در حالی که پاسخ نمی‌دانم، 4 درصد بوده است.

در پاسخ به این پرسش که اگر عراق شرایط ما را نپذیرد، آیا صلاح می‌دانید وارد خاک عراق شویم، بر حسب جنسیت پاسخ مثبت، 70/1 درصد، پاسخ منفی 15/1 درصد و نمی‌دانم 9/2 درصد و بر حسب سن، پاسخ مثبت 76/9، پاسخ منفی 7/7 و نمی‌دانم 15/4 درصد است. بر حسب میزان سواد پاسخگویان، پاسخ مثبت 48/4، پاسخ منفی 32/2 و پاسخ نمی‌دانم 6/5 درصد است. درصد پاسخ‌ها به تناسب مناطق بیستگانه تهران متفاوت است. چنانکه پاسخ کسانی که یکی از بستگان آنها در جبهه بوده است، در مورد ورود به خاک عراق، 58/3 درصد مثبت و 20 درصد منفی و 20 درصد نمی‌دانم می‌باشد.

این نظرسنجی، فارغ از اینکه تا چه میزان می‌تواند از نظر علمی اعتبار داشته باشد، بیانگر بخشی از واقعیت اجتماعی و افکار عمومی نسبت به مسئله جنگ و تصمیم‌گیری در مورد پایان یا ادامه آن و در میان اقشار مختلف با موقعیت‌ها و شرایط متفاوت است که با میانگین 70 درصد با آنچه پس از فتح خرمشهر واقع شد، موافقت خود را بر ادامه جنگ اعلام کرده‌اند.

**سایت ساجد**